

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



قدس در زیر
چکمه‌های
میراث داران
«هر تزل»



سال سی و پنجم ♦ شماره ۲ ♦ شماره مسلسل ۱۴۷۲ ♦ نیمه دوم فروردین ماه ۱۳۹۳ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

یادداشت روزنامه السفير درباره سید حسن نصرالله «صدای «سید» همچنان طنین انداز است



روزنامه السفير لبنان به عنوان یکی از پرتیراژترین، مهم ترین و حرفه ای ترین روزنامه های خاورمیانه در روزهایی که لبنان، شرایط پیچیده سیاسی را پشت سر می گذارد، طی یادداشتی به قلم احمد سلمان و با عنوان ««سید» ... و تعیین سرنوشت ما» نوشت:

هنگام تصور واژه مسؤول سیاسی در ذهن عربی از جمله مردم لبنان، ذهن انسان به طور ناخودآگاه به یاد نمونه هایی می افتد که معمولاً کفایت و شایستگی لازم را ندارند؛ یکی نفوذ خود را از نیاز مردم به خود کسب کرده و از این نفوذ به صورت بی حساب و کتاب و به شکل افراطی سوء استفاده می کند و گاه هم این نفوذ با فرصت طلبی به دست آمده که در برخی موارد این فرصت طلبی همراه با مقداری خشونت هم بوده و بعد هم تمام تلاش او این است که منافع شخصی خودش را تامین کند.

در گذشته نزدیک خود با این رفتار نا امید کننده، مسؤولان خو گرفته ایم و به ناچار دربرابر این رفتار تسلیم شده ایم و آنها هم ما را در برابر فرصت طلبی های خود وادار به کرنش می کنند و حتی نمیتوانیم فکرش را هم بکنیم که یکی از مسؤولین خارج از این چهارچوب باشد، بدون اینکه ضعیف و بیچاره باشد.

* کسی که دغدغه های مردم را می فهمد

حال کسی را در نظر بگیرید که مسؤولیتی را برای خدمت به جامعه پذیرفته بدون اینکه از مردم سوء استفاده کند. مردم چنین کسی را شایسته این مسؤولیت می دانند، زیرا دغدغه های آنها را میفهمد و با جدیت کامل برای حل مشکلات آنها تلاش می کند، بدون اینکه در مقابل آن انتظاری از مردم داشته باشد. اعتماد مردم به چنین شخصی بر بار مسؤولیت او می افزاید و برای انجام وظیفه خود و محقق ساختن وضعیتی درخور برای مردم تلاش بیشتری انجام میدهد، چنین کسی همواره خود را مورد ارزیابی و بازخواست قرار میدهد و مردم نیز او را تحت نظر دارند.

رهبر واقعی کسی است که مسؤولیت تصمیم گیری های خود را می پذیرد و اگر کار اشتباهی از او سر زد، بهای آن را می پردازد و برای اصلاح آن تلاش میکند و اگر هم پیروز و موفق شد، سبب خیر برای جامعه شده است. مسؤول، کسی است که در سخت ترین و پیچیده ترین شرایط تصمیم های آگاهانه میگیرد.

رهبر، همه را با آغوش باز می پذیرد و میداند که مردم ممکن است آراء و نظریات مختلفی داشته باشند و اگر دشمنی و کینه وارد سیاست شود برای جامعه خطرناک است.

رهبر واقعی بر این باور است که مردم حتی در صورت داشتن اختلاف باید با هم صحبت و گفتگو کنند؛ چرا که بازنگری و بازخوانی موارد اختلافی بر اساس اولویت های مورد توافق موجب پرهیز از دشمنی و کینه توزی میشود.

دشمن ما یک دشمن و کاملاً روشن است: اسرائیل

تجربه ما در رویارویی با دشمن نیز دارای طراحی مشخص است و برخی کمبود ها در زمینه امکانات نمیتواند از شان و اهمیت این تجربه بکااهد.

مهم این است که ما در جهان عرب و اسلام مورد احترام هستیم و تفکری را ارئه کرده ایم که با احترام پذیرفته شده، این مهم است، وجود و حضور ما در جهان عرب و اسلام مهم است و اینکه مورد احترام هستیم و ما احترامی را که به دست آورده ایم در راه تقویت فرهنگ مقاومت در جهان عرب و اسلام خرج خواهیم کرد.

ادامه در صفحه ۵

آیت الله اراکی در دیدار با وزیر
اوقاف اردن:
کشور عمان در وحدت
امت اسلامی نقش مهمی
ایفا می کند

فرهنگ غرب را
بومی می کنیم
بدون تهاجم!

فراخوان دهمین
دوره انتخاب
کتاب سال تقریب

گزارشی از ششمین نمایشگاه کتاب نجف اشرف

علیرضا ابادری

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، سال ۹۲ را در حالی پشت سر گذاشت که با توجه به مشکلات و محدودیت منابع مالی، در حد توان خود خدمات بیشتری را به محققان ارائه کرد. با این که حدود دو ماه کتابخانه به علت تعمیرات داخلی تعطیل بود، ولی در خرید کتاب و ارائه خدمات به محققان، نسبت به سال قبل از آن موفق تر بود. وضعیت سالن های مطالعه و مخزن کتاب ها بهتر شد و خرید کتاب نیز نسبت به قبل ۴۰ درصد افزایش داشت.

آخرین خرید کتاب مربوط به نمایشگاه کتاب در نجف اشرف بود که اواخر اسفند انجام شد. آنچه می خوانید گزارش کوتاهی از حضور نگارنده سطور در این نمایشگاه است.

میزبان، عتبه علویه

نمایشگاه نجف اشرف، هر سال به میزبانی حرم مطهر امیرالمؤمنین علی (ع) برگزار می شود که امسال، ششمین بار بود که برپا شد. مکان نمایشگاه، در جوار حرم، در ورودی باب الطوسی است.

نمایشگاه نسبت به سه سال قبل، مقداری محدودتر شده بود. سه سال پیش در این نمایشگاه ناشران معروف بیشتری وجود داشتند. البته قابل پیشبینی هم بود، اکثر ناشران معروف برای نمایشگاه بغداد آماده می شدند، با این وجود سطح نمایشگاه خوب بود. آنچه در نمایشگاه حاضر برای بنده مهم بود و حتی در سوق الحویش قابل مشاهده بود، سرزنده بودن نشر و چاپ کتاب بود. در دوره رژیم سفاک صدام بنده از بازار نشر و کتاب آنجا اطلاع خاصی ندارم ولی در چند سال اخیر وضعیت بسیار امیدوار کننده است.

واردات آزاد

آنچه بنده از گشت و گذار مختصر در چند شهر عراق دیدم و آنچه از ظواهر شهرها بر می آمد، آن است که عراق الان کشوری باز باز است. دروازه های این کشور به روی همه چیز باز است، واردات آزاد است، مایحتاج روزمره مردم به وفور و فراوانی وجود دارد. راستش بنده از این همه واردات متحیر شدم که چرخه اقتصاد این کشور چگونه می گردد در حالی که تورم آنها چیزی حدود ۹ درصد است.

اکنون واردات فرهنگی هم آزاد است. آثار ناشران سلفی و ضد شیعی در سوق الحویش به راحتی یافت می شد. برای نمونه، چاپ جدید کتاب اقتضاء الصراط المستقیم مخالفه اصحاب الحجیم از ابن تیمیه در پنج جلد از نشر الاثر در سوق الحویش وجود داشت.

آنچه در عراق باید برای آن بسیار سرمایه گذاری کرد و به عبارتی راه انحراف، ماهواره با شبکه های مختلف است که شبکه های شیعی نیز

چند خاطره
خواندنی از
استاد خسروشاهی

فرقه وهابیت
تکفیری چگونه
تبلیغ می کند؟
حجت الاسلام والمسلمین عباس
جعفری فراهانی

الازهر و قدرت
از نگاه شبکه
الجزیره

فعالیت زیادی دارند و باز هم کم است.

نمایشگاه کتاب نجف، معجونی بود از آثار دانشگاهی و کتاب های علمی - پژوهشی تا آثار و کتب کم محتوا. بیشتر کتاب های کم محتوا از ناشران لبنانی یا ایرانی بود. گو این که نشر برخی کتب کم محتوا حتی در کشورهای عربی هم فروش خوبی دارد. آثار کرامت، تعبیر خواب و ... به وفور در بین ناشران شیعی لبنانی پیدا می شود که با خود به نمایشگاه های مختلفی می آورند. خوشبختانه در نمایشگاه نجف اشرف انواع چاپ صحیفه سجاده و نهج البلاغه و قرآن، بازار داغی ندارد. ناشران عراقی بیشتر کتاب های مربوط به عراق داشتند. چند ناشر مثل الوراق، دار عدنان، وادی الرافدین و ... آثار متنوع بسیار خوبی داشتند.

مؤسسات و ارگان هایی که نیستند

بنده از حضور در نمایشگاه های مختلف و حتی در یک نمایشگاه کوچک مثل نجف اشرف، به این نتیجه رسیدم که برای مؤسسات و مراکز تحقیقاتی، ارگان های فرهنگی و کتابخانه ها حضور رفتن به چنین نمایشگاه هایی از نان شب هم واجب تر است. این حضور حتی اگر سالیانه نباشد، ولی بسیار ضروری است. در نمایشگاه اخیر، چند ناشر محلی حضور داشتند که در نمایشگاه سه سال قبل نبودند. نشر دار فرات از شهر حله در این نمایشگاه آثار بسیار خوبی داشت و بنده اکثر آنها را خریدم. یک ناشر دیگر از بصره بود که آثار زیادی داشت و از آن نیز خرید کردم. نشر دار عدنان هر روز دو سه عنوان اثر جدید و مهم عرضه می کرد. دار الرساله از خاندان معروف کتبی نمایندگی چند ناشر مهم را داشت و با این که شلخته بود و کتاب ها را بدون نظم و در هم ریخته چیده بود، آثار زیادی داشت. کتبی به علت فعالیت زیاد و تعاملی که با ناشران مختلف داشت، آثار زیادی از مصر و امارات به همراه خود آورده بود. دار الرافدین نیز کتب معتبری را منتشر کرده بود که اکثر آنها را بنده خریدم.

مزیت این نمایشگاه آن است که ناشران شیعی به علت علقه مذهبی و شاید کمکی که دولت عراق یا عتبه به آنها می کرد، آثار خود را با تخفیف بسیار مناسبی می فروختند. یکی از ناشران لبنانی گفت آثار خود را به نصف قیمت دلار بیروت دارد می فروشد.

با همه این تفصیلات، از مؤسسات، ارگان ها، نهادهای علمی و پژوهشی و کتابخانه های مهم داخل کشور هیچ خبری نیست. حضور آنها در چنین نمایشگاه هایی صفر است و حضور برخی کتابخانه ها استثنائی است که آن نیز به علت علقه خاصی است، مانند حضور جناب مجتهدی از کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین (ع) در مشهد مقدس.

ادامه در صفحه ۸

مصر دارای سه نماد مهم و بی‌بدیل است: نیل، اهرام و الازهر. اگر به قول هردوت مصر هدیه نیل است و اگر اهرام نماد تمدنی چندین‌هزارساله، دانشگاه الازهر نیز نماد هویت دینی مصر است با داستانی پرفرازونشیب. زیرا گرچه این دانشگاه از روز نخست برای گسترش فرهنگ شیعی تأسیس شد اما در گذر زمان به صورت تریبونی برای مذاهب چهارگانه اهل سنت در آمد و امروزه به نمادی از دیانت رسمی اهل سنت تبدیل شده است. با این حال الازهر به‌غیر از نقش مذهبی، همراه یک نقش سیاسی برجسته نیز داشته است؛ نقشی که گاه در کنار حاکمان و گاه در برابر آنان تعریف می‌شده و این امر به عوامل متعددی ارتباط داشته است. آنچه را می‌خوانید نگاهی دوباره به رابطه الازهر و حکومت از گذشته تاکنون، البته از نگاه شبکه الجزیره است؛ شبکه‌ای که می‌دانیم موضوعی انتقادی نسبت به شیخ کنونی الازهر دارد و هنوز از محمد مرسی و اخوان‌المسلمین دفاع می‌کند.

رابطه بین دانشگاه الازهر به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین نهادهای دینی در جهان اسلام و حکومت‌های متوالی در مصر رابطه‌ای بحث‌برانگیز در طول زمان بوده است. گاه این رابطه به رویارویی و برخورد می‌کشیده و گاه به نزدیکی و حتی هم‌پیمانی منجر می‌شده است.

الازهر هرگز یک دانشگاه صرف نبوده و نقش آن منحصر به تدریس علوم دینی یا دنیایی نشده است. علاوه بر نقش دینی، الازهر همواره نقشی میهنی و سیاسی داشته است که در طول زمان در نوسان بود. این نقش گاه به‌صورتی ضعیف و گاه به‌صورتی درخشان در مناسبت‌های مختلف آشکار شده است. الازهر همیشه در برابر اشغالگران یا قدرت‌های مستبد خارجی از جنبش‌های ملی حمایت کرده است.

در گذر تاریخ

الازهر (منسوب به حضرت زهرا - س -) ابتدا فقط یک مسجد بود که در دوران خلفای فاطمی ساخته شد. زمان ساخت آن دوسال طول کشید. می‌گویند نخستین نمازجمعه در مسجد جامع الازهر در روز هفتم رمضان ۳۶۱ مطابق ۹۷۲ میلادی برگزار شد. بعدها این مسجد در دوران خلیفه العزیز بالله فاطمی به یک دانشگاه بزرگ مبدل شد که در آن دانشجویان علوم و معارف مختلف را می‌آموختند. با وجودی که این دانشگاه برای نشر اندیشه‌های مذهبی شیعه تأسیس شده بود اما بعد از سقوط دولت فاطمیان توسط دولت ایوبیان (سال ۱۱۷۳م)، الازهر به مهم‌ترین موسسه اسلامی سنی نه تنها در مصر بلکه در تمام جهان اسلامی تبدیل شد. از این‌رو تمام اشخاصی که بعد از ایوبیان در مصر به حکومت رسیدند تلاش می‌کردند تا از این موسسه به شکل‌های مختلف استفاده کنند.

در دوران ایوبیان، زمامداران مصر درصدد تقویت مذهب سنی برآمده و مدارس جدیدی را تأسیس کردند. در آن دوران، الازهر مذاهب چهارگانه فقهی اهل سنت (مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی) را آموزش می‌داد. وقتی صلاح‌الدین ایوبی حاکم مصر شد برپاکردن نمازجمعه را ممنوع و مسجد الازهر را هم تعطیل کرد. او همچنین اوقاف الازهر را برداشت و این مرکز تنها به یک دانشگاه اسلامی سنی مبدل شد.

در دوران ممالیک، الازهر جایگاه بلند خود را بازیافت و ساختمان و لوازم آن تکمیل شد. بعد از یک انقطاع تقریباً ۹۸ساله نخستین نمازجمعه در روز ۱۸ربیع‌الاول سال ۶۶۵ هـ / ۱۲۶۷م در دوران سلطان بیبرس برگزار شد که روزی معروف بود. الازهر از قرن هشتم هجری تاکنون محل مراجعه علما و طلاب از همه سوی جهان بوده و نوعی رهبری فکری و فرهنگی جوامع آن را برعهده داشته است.

در دوران امپراتوری عثمانی نیز الازهر جایگاه برجسته‌ای داشت. عثمانی‌ها ضمن ایجاد اصلاحات و تعمیراتی در این بنا ساختمان‌های جدیدی به آن افزودند

و کتاب و ابزارهای لازم را برای تحصیل طلاب در این مرکز فراهم کردند. در این دوران بود که برای نخستین‌بار مقام شیخ‌الازهر تعیین و منصوب شد. می‌گویند اولین کسی که به این مقام رسید شیخ محمد بن عبدالله الخراشی بود.

الازهر و استعمار

هنگامی که ناپلئون بناپارت (سال ۱۷۸۹م / ۱۲۱۳هـ) به مصر حمله کرد و تبلیغاتی را برای فریب مردم این کشور به‌راه انداخته بود (ناپلئون خود را علی پاشا و مسلمان و قرآن‌خوان معرفی کرده بود) علمای الازهر فریب این تبلیغات را نخوردند و آتش قیامی را روشن کردند که به انقلاب اول قاهره موسوم شد. در جریان این قیام بود که نیروهای فرانسوی مجبور به استفاده از توپ شده و با اسب‌هایشان حریم الازهر را هتک کردند. پیامد این قیام برای الازهر سنگین بود زیرا در جریان آن تعدادی از مشایخ این نهاد دینی بازداشت و برخی از آنها نیز به جوخه‌دار فرستاده شدند.

در دوران جنگ فرانسه که سال ۱۷۹۸شروع شد، طلاب الازهر و شیوخ این موسسه دینی به رهبری شیخ عبدالله الشرقاوی مقاومت سختی کردند و ناپلئون دستور داد که نیروهای نظامی به الازهر حمله کرده و این مقاومت را بشکنند. در قیام دوم مصر علیه استعمارگران نیز که روز

۱۶شوال سال ۱۲۱۴هـ / ۱۸۰۰م به‌راه افتاد و حدود ۳۳روز به طول انجامید، الازهر نقشی جدی داشت. محمد السادات و عمر مکرم از شیوخ الازهر در این قیام نقش مهمی ایفا کردند حتی گفته می‌شود که سلیمان الحلبی، یکی از طلبه‌های الازهر اقدام به ترور فرمانده جدید فرانسوی‌ها یعنی کلیر کرد و این مساله بازتاب گسترده‌ای را به‌همراه داشت. هنگامی هم که نوبت به مبارزه با انگلیسی‌ها رسید و در سال ۱۸۰۷ آنها به مصر حمله کردند، شیوخ الازهر علیه این اقدام موضع گرفته و فتوای واجب‌شدن جهاد را دادند.

در سال ۱۹۵۲ به وقوع انقلاب (کودتای) ۲۳جولای به رهبری جمال عبدالناصر، دولت بر اوقاف الازهر دست گذاشت و استقلال آن را از این برد. به این ترتیب الازهر به نهادی دولتی تبدیل شد. روز ۲۱سپتامبر ۱۹۵۳ دولت ناصر قانونی را مبنی بر لغو دادگاه‌های شرعی صادر کرد. در سال ۱۹۶۱ نیز قانونی دیگر صادر شد که صلاحیت تعیین شیخ‌الازهر و جانشین او را به ریاست‌جمهوری واگذار می‌کرد. این رویه تقریباً در دوران سادات و مبارک نیز ادامه پیدا کرد و الازهر را با وجود همه احترامی که در بین مسلمانان داشت به یک نهاد رسمی دولتی تبدیل کرد. محمدمسید طنطاوی، شیخ‌الازهر در دوران مبارک این نهاد دینی را بسیار به قدرت نزدیک کرد تا آنجا که بدون اجازه دولت به قولی آب نمی‌خورد. با مرگ او همین شیوه از سوی احمد الطیب، جانشین او و شیخ کنونی الازهر تبعیت شد. او چنان موضعی منفی نسبت به انقلاب ۲۵ژانویه مصر علیه حسنی مبارک داشت که بارها از مردم خواست در خانه‌ها بمانند و تظاهرات نکنند.

شیوخ معروف الازهر

از زمان تعیین مقام شیخی در الازهر در اواخر قرن ۱۷میلادی، جایگاه این نهاد دینی به تناسب شخصیتی که بر راس آن گذاشته شده و رابطه‌ای که با دولت داشته در حال تغییر بوده است. الازهر در دوران محمد الحنفی (۱۷۴۷-۱۷۵۷) جایگاهی بلند پیدا کرد. برای همین درباره او گفته شد: «شیخ‌الازهر قطب کشور مصر است و هیچ کاری از دولت یا دیگران بدون اجازه و اطلاع انجام نمی‌شود.»

شیخ احمد العروسی، رهبری الازهر را در اواخر قرن ۱۸میلادی برعهده داشت. به دلیل توهین احمدآغا، والی عثمانی به اهالی الحسینیه، او اعتراضی را سامان داد که درنهایت به صدور فرمان سلطانی مبنی بر عزل والی منجر شد. از آن پس هرکس والی مصر می‌شد مجبور بود به خدمت الازهر مشرف شده یا دل روحانیون آنجا را به‌دست آورد.

الازهر و قدرت از نگاه شبکه الجزیره



شیخ ابراهیم الباجوری (۱۸۶۰-۱۸۴۷) یکی دیگر از شیوخ الازهر بود که جایگاه بلندی داشت و حتی عباس پاشا خدیو مصر نیز در جلسات درس او حضور پیدا می‌کرد. امام شمس‌الدین الانبانی (۱۸۹۶-۱۸۸۲) یکی دیگر از شیوخ الازهر بود که درمورد عدم صلاحیت خدیو مصر فتوا داد زیرا به گفته انقلابیونی امثال احمد عرابی و دوستانش او مصر را به بیگانگان فروخته بود. وی یک‌بار دیگر نیز به خدیو مصر اعتراض کرد که

بیشتر به‌دلیل دخالت دولت در امور الازهر بود. شیخ حسونه النواوی (۱۹۰۰-۱۸۹۱) نیز به‌دلیل تعدیل قانون دادگاه‌های شرعی با دولت شد. گرچه برخی دیگر از روحانیون نیز با او اعلام همبستگی کردند اما درنهایت دولت شیخ دیگری را تعیین کرد که از نزدیکان او یعنی شیخ عبدالرحمان النواوی بود.

محمد مصطفی المراغی یکی دیگر از شیوخ مشهور الازهر است که با ملک فاروق، پادشاه مصر به چالش برخاست و این چالش در نهایت به برکناری او منجر شد زیرا درخواست پادشاه را برای صدور فتوایی مبنی بر تحریم ازدواج ملکه فریده بعد از جدایی از ملک فاروق رد کرده بود. المراغی گفته بود با طلاق که مورد رضایت من نیست یا تحریم ازدواج که در اختیار من نیست. المراغی به گفته خودش نمی‌توانست چیزی را که خداوند حلال کرده بود، حرام کند.

شیخ عبدالمجید سلیم البشیری نیز جزو کسانی بود که رفتارهای پادشاه و اسراف او و تمایلاتش را نمی‌پسندید زیرا مردم در فقر و گرسنگی بودند. او یک‌بار در مجلس نمایندگان به‌صراحت به پادشاه گفت: «اینجا تنگدستی است و آنجا اسراف‌کاری!» و به این ترتیب از مقام شیوخیت الازهر برکنار شده و به شیخ سابق تغییر سمت داد.

به‌دنبال کودتای ناصر (جولای سال ۱۹۵۲) نقش سیاسی الازهر به‌عنوان یک مرجعیت ملی کاهش پیدا کرد و چنان‌که اشاره شد از آن پس شیوخ الازهر در اکثر موارد ناچار به تأیید رویکردهای دولت بودند. امام محمد الخضر حسین (۱۹۵۴-۱۹۵۲) انقلاب ناصر را «بزرگ‌ترین انقلاب اجتماعی مصر در طول قرون» توصیف کرد اما چندی نگذشت که به‌دلیل اختلاف با او پیرامون لغو دادگاه‌های شرعی مجبور به استعفا شد. بعد از او عبدالرحمان تاج (۱۹۵۸-۱۹۵۴) جانشین او شد که با عبدالناصر در اختلافی که با نجیب داشت با ناصر همراهی کرد و حتی فتوا داد هرکس علیه کشور توطئه کند -منظورش نجیب بود- باید از شرافت ملی خلع شود. وی در آن زمان به تبع سیاست روز به اخوان‌المسلمین نیز حمله کرد.

شیخ عبدالحلیم محمود نیز در زمان انور سادات از مواضع او در برابر گروه‌های چپ حمایت و کمونیست‌ها را «ملحد» معرفی کرد که هیچ ارتباطی با مسلمانان نمی‌تواند داشته باشند. وی درعین حال با تبعیت الازهر از وزارت امور الازهر مخالفت می‌کرد و سادات نیز به او پاسخ مثبت داد. از این‌رو قانونی تصویب شد که مطابق آن شیخ‌الازهر تا سطح نخست‌وزیری ارتقا مقام می‌یافت. شیخ عبدالرحمان بیصار (۱۹۸۲-۱۹۷۹) یکی دیگر از شیوخ الازهر بود که فقط در برخی امور کلی با حاکم مخالفت می‌کرد و در مجموع تلاش داشت تا الازهری‌ها را از هرگونه اصطکاک با دولت دور کند.

شیخ جاد الحق نیز یکی از مشایخی بود که در دوران سادات به‌دلیل تبعیت از سیاست‌های دولت مجبور شد از معاهده صلح مصر با اسرائیل پشتیبانی کند. جالب اینکه وی وقتی از مقام افتاء برکنار شد از در مخالفت با دولت درآمد و با هرگونه سازش با اسرائیل مخالفت کرد. او حتی پا را از این هم فراتر گذاشت و از انتفاضه فلسطینی‌ها، حتی عملیات شهادت‌طلبانه حمایت کرد. او بارها درخواست هیات‌های اسراییلی برای بازدید از الازهر را رد کرد و همچنین فتوا داد که تا بیت‌المقدس آزاد نشده باشد نمی‌توان به دیدار آن رفت کمالینکه وی با فتاوی خود با حلال‌بودن درآمدهای بانکی و توصیه‌های کنفرانس بین‌المللی برای اسکان در سال ۱۹۹۶ نیز مخالفت کرد. محمد سید الطنطاوی که سال ۱۹۹۶ شیوخیت الازهر را برعهده گرفت در تمام دوران‌ش موضعی کاملاً همسو با دولت داشت. او مادام که زنده بود تنها نظری را اعلام می‌کرد که از نظر دولت پذیرفتنی بود. وی تلاش می‌کرد به نوعی بین دینداری و سیاستمداری آمیزشی ایجاد کند. طنطاوی کسی بود که حتی با دولت در جهت مقابله با گروه‌های اسلامگرا همکاری می‌کرد و در این‌باره فتاوایی دارد که همه قابل بحث است. او حتی کار را به آنجا رساند که به خام‌های یهودی اجازه ورود به الازهر را داد کمالینکه طنطاوی با شیمون پرز، رئیس‌جمهور اسرائیل دست داد و همین مساله جنجالی را علیه او برانگیخت. اینگونه حرکت‌ها از اهمیت و جایگاه الازهر به‌ویژه در بین توده‌های مذهبی می‌کاست و راه را بیشتر برای گروه‌های تندرو هموار می‌کرد زیرا به‌شدت از این رفتار شیخ‌الازهر انتقاد می‌کردند. یک‌بار نیز شیخ‌الازهر در دیدار با نیکلا سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه گفته بود ممنوعیت حجاب حق مقامات فرانسوی است. این یک مساله داخلی بوده و به الازهر هیچ ارتباطی ندارد. اگر جادالله کسی بود که تقریباً رابطه سردی با دولت داشت و حتی می‌خواست کناره‌گیری کند طنطاوی همان گمشده حکومت بود. دکتراحمد عمره‌اشم نیز کسی در همین ردیف بود که در مجلس عوام مصر گریست و برای وجوب آزادسازی کویت از چنگ عراق فتوا صادر کرد.

بعد از وفات طنطاوی، احمد الطیب به شیخی الازهر رسید که خود استاد فلسفه و اندیشه اسلامی و در فرانسه تحصیل کرده بود. الطیب چهره‌ای فرهنگی داشت و حتی کتاب‌هایی را از زبان فرانسه به عربی ترجمه کرد. او درعین حال گرایشاتی صوفیانه داشت و از رویکردی باز و مدرن برخوردار بود. جالب اینکه الطیب در دوران مبارک عضو کمیته سیاسی حزب دموکراتیک حاکم (حزب مبارک) بود.

الازهر و اخوان

الازهر و جماعت اخوان‌المسلمین دو هیات اسلامی جداگانه است که یکی کار آموزشی و معرفی می‌کند و دیگری کاری مذهبی و مبارزاتی. الازهر در باور خودش نهادی است که به حکم تاریخ و نقشی که داشته و نیز جایگاهش بر میراثی کهن از شریعت تکیه زده بنابراین یک نهاد روحانی و اصولی و مردمی است. اما جماعت اخوان‌المسلمین خود را بخشی از مجموعه احیایان می‌داند (ادامه سیدجمال‌الدین اسدآبادی) که در یک جهت سیاسی، اجتماعی حرکت می‌کند و هدفش بازتولید الگوی خلافت و حکومت دینی و شرعی است؛ هدفی که می‌خواهد آن را از طریق تربیت و ایجاد شور دینی یا به قول خودشان «فتوت دینی» ایجاد کند.

حسن‌البناء، بنیانگذار این جماعت در این‌باره گفته است: «الازهر یک پرچم برافراشته و بلند است که دلالت بر دین خفیف ما دارد. طلاب و روحانیون و فارغ‌التحصیلان این مرکز یک ارتش نظامی رسمی هستند که کارشان دعوت به اسلام است. اخوان اما گردان‌های داوطلبی هستند که در صفوف این ارتش جای دارند و به آن کمک کرده و تقویتش می‌کنند. همچنین مانع آن می‌شوند که دشمن به آنها آسیبی برساند.»

باوجود همه تلاش‌های دیپلماتیک از سوی البناء، نمی‌توان گفت رقابتی بین الازهر و اخوان‌المسلمین وجود نداشته است.

ادامه در صفحه بعد

سیاسی – اجتماعی – فرهنگی
شماره ۲
شماره مسلسل ۱۴۷۲
جهان اسلام
پست الکترونیک: besatonline@gmail.com

اما اتفاقات در مسجد الاقصی با هدف تخریب آن انجام گرفت؛ یهودیان اجازه دارند تا در دیوار براق یا المبکی یا ندبه در بخش جنوبی غربی دیوار حرم قدسی که ۱۷ متر ارتفاع و ۴۷ متر طول دارد، نماز بگذارند؛ و این اقدام درحالی است که با قواعد مکان نماز در دین یهود انطباقی وجود ندارد.

یهودیانی که در دیوار ندبه نماز می گذارند، می گویند که در این مکان به خاطر نزدیکی اش به هیکل نماز می گذارند.

برهمنین اساس، از سال ۱۹۶۷ رژیم صهیونیستی حفاریهایی در زیر مسجد الاقصی برای کشف هیکل مزعوم انجام داد و در سال ۱۹۶۸ حفاریهای جنوب مسجد الاقصی منجر به کشف آثار دوره اموی، رومانی و بیزانسی شد و حفاریهای سال ۶۹ در جنوب غربی الاقصی ادامه یافت و به ایجاد شکاف در مجموعه ساختمان های اسلامی انجامید و این حفاریها تا امروز متوقف نشده است.

با این وجود، در میان دانشمندان اسرائیلی آثار باستانی درباره وجود هیکل در مسجد الاقصی اختلاف نظر وجود دارد، به طوری که برخی از آنها درباره هرگونه ارتباط قدیمی یهود با قدس شک دارند و

برنامه یهودی سازی در قدس از سوی مقامات صهیونیستی، برنامه جدیدی نیست، بلکه براساس برنامه روشمند قدیمی از ایام هرتزل برای یهودی سازی قدس حرکت می کند و آنچه امروز در دست فلسطینی های عرب باقی مانده تنها ۱۴ درصد است، آیا می توانند آن را حفظ کنند؟

 	داده یا برای زنان اصولی مشخص تدوین کند.	
 	با وقوع کودتای نظامیان علیه مرسی، دیدن شیخ‌الازهر در کنار ارتشبد عبدالفتاح السیسی برای برخی هیچ تعجبی نداشت. شیخ‌الازهر در سخنانی که بعد از فرمانده نظامی مصر بیان کرد، گفت: «مصر در برابر یک دوراهی قرار گرفته که یکی از دیگری تلخ‌تر است.» بعد توضیح داد با توجه به اختلافی که بین طرفداران مرسی و مخالفان او وجود دارد، الازهر تصمیم گرفته است هنگام برگزاری انتخابات جدید از برنامه ارتش دفاع کند.	
 	زمانی که در تظاهرات طرفداران مرسی در برابر گارد ریاست‌جمهوری دهه‌انفر کشته شدند، شیخ‌الازهر به نشانه اعتراض در خانه خود بست نشست. اما شگفت اینکه چند روز بعد ارتش به تحصن‌کنندگان در میدان رابعه‌العنوبه حمله‌ور شد و دهه‌انفر را به خاک‌وخون کشید اما این بار هیچ صدایی از شیخ‌الازهر بلند نشد و همچنان به حمایت خود از نظامیان ادامه داد.	
 	با این همه باید گفت همه روحانیون و طلاب الازهر موضعی شبیه به شیخ احمد الطیب نداشتند. برخی از آنها از جمله شیخ حسن الشافعی مشاور شیخ‌الازهر به‌شدت با سرکوب تظاهرات‌کنندگان مخالفت کرد. وی خطاب به نظامیان حاکم گفت: «شما فرصت‌طلب هستید و روزی خواهد رسید که تمام جنایتکاران باید پاسخگو باشند.» از این گذشته شورایعالی امور اسلامی که یکی از نهادهای وابسته به الازهر است، از وقوع کودتای نظامی در مصر انتقاد کرد. بخشی از روحانیون الازهر تشکلی به نام «انجمن روحانیون ضدکودتا» به‌وجود آوردند که به‌شدت از مواضع شیخ‌الازهر انتقاد و از او خواست یا استعفا دهد یا در مواضع خود تجدیدنظر کند. اتحادیه علمای مسلمان به ریاست شیخ قرضاوی نیز بارها کودتای نظامیان را محکوم کرده است. انتقاداتی که در این رابطه از شیخ‌الازهر شد تنها محدود به روحانیون یا مردم مصر نبود بلکه به‌عنوان مثال رجب طیب اردوغان نخست‌وزیرترکیه نیز در اظهاراتی گفت: «از اینکه شیخ‌الازهر از کودتای نظامیان حمایت کرد، مایوس شدم. تاریخ چنین روحانیونی را نفرین خواهد کرد همان‌طور که در گذشته ترکیه شاهد آن بودیم.»	
 	منبع: الجزیره	
 	ترجمه: محمدعلی عسگری – روزنامه شرق	

قدس در زیر چکمه های میراث داران«هرتزل»

شهرک جدید آغاز شد و به همراه آن جزئیات پروژه بزرگ قدس افشا شد و محاصره قدس با شهرک های صهیونیستی انجام گرفت و ساکنان عرب متوجه شدند که در محاصره هستند و به اجبار شهرشان را ترک کردند و در آن زمان هدف این بود که عرب های ساکنان قدس ۲۵درصد جمعیت این شهر بشوند.

درهمین حال، یهودی سازی تنها با اخراج ساکنان عرب و جایگزین کردن آنها با ساکنان یهودی انجام نمی گرفت، بلکه یهودی از خود قدس و ساختمان ها و آثار معماری و یهودی کردن اماکن مقدس و تاریخ آن انجام گرفت، به همین دلیل رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۹۴۸ به تخریب روستاهای مسیحی روی آورد و سنگهای آنها را در ساختمان های جدید مثل بیمارستان هداسا و برخی از قسمت های ساختمان دانشگاه عبری به کار برد تا بازدیدکنندگان فکر کنند که این ساختمان های جدید نیست و پیش از صدها سال ساخته شده است.

روزنامه هاآرتص در سال ۲۰۰۷ در گزارشی نوشته بود که یک موسسه اسرائیلی پس از جنگ ۴۸ در طول سالهای ۵۰ به دستور رهبران ارتش و تایید کامل دیوید بن گوریون به انفجار تعدادی از مساجد با هدف محو تاریخ عربی و اسلامی در این کشور اقدام کرد و همچنین موشیه دیان، فرمانده منطقه جنوبی سال ۱۹۵۰ نیز دستور تخریب تعدادی از مساجد از جمله مسجد عسقلان، مسجد اسدود و مسجد ینبا از مساجد تاریخی بیش از یکهزار ساله فلسطین را صادر کرد.

رژیم صهیونیستی همچنین به تغییر مساجد به کنیسه یهودی اقدام کرد، همچنین تزئینات اسلامی و آیات قرآنی در مسجد نبی داود را از بین بردند و مسجد نبی صموئیل در شمال غربی قدس را به بخشی از کنیسه تبدیل کردند، همچنین مساجد روستنتی صریحه در نزدیکی قدس را تخریب کردند.

با تشدید درگیری‌ها و ارتقای سقف مطالبات معترضان به‌خصوص بعد از حوادث «روز شتر» که به بر کناری مبارک و حتی محاکمه او رسید، الازهر تصمیم گرفت با بخشی از جوانان مذاکره کرده و تلاش کند تا دیدگاه‌شان را به حکومت نزدیک کند. احمد الطیب در بیانیه‌ای که سوم فوریه منتشر کرد، جوانان را به «تعقل» فراخواند و گفت «هدف این آشوب‌ها تجزیه مصر و تسویه‌حساب‌ها و اجرای برنامه‌هایی است که منشا خارجی دارد.» وی به‌عنوان یک «پدر» از جوانان خواست به خانه‌هایشان بازگردند و اوضاع را آرام نگه دارند. اما در همان روزها بود که محمد رفاعه طهطاوی یکی از مقامات برجسته الازهر برخلاف موضع رسمی این نهاد دینی از مقام خود کناره گرفت و به تحصن‌کنندگان در میدان تحریر پیوست.

با ارتقای خواست معترضان در میدان تحریر، الطیب فتوا به تحریم انقلاب داد و آن را «خروج برحاکم» توصیف کرد. این موضع‌گیری الطیب موجب بگومگوهایی بین او و شیخ یوسف القرضاوی رییس اتحادیه علمای مسلمان شد که مردم را به ایستادگی در میدان تحریر دعوت می‌کرد. قرضاوی شیخ‌الازهر را به خیانت به انقلاب و همراهی با ستمگران متهم کرد و از مجمع مطالعات اسلامی خواست در نشست خود صلاحیت او را لغو کند. هنگامی که مبارک، عمر سلیمان را مسوول امور کرد و خود کناره گرفت، الطیب در تلویزیون رسمی دولت آمد و گفت از فردا دیگر انقلاب حرام است. او از همه تظاهرات‌کنندگان خواست به خانه‌هایشان بازگشته و به تحصن خود پایان دهند.

بعد از کناره‌گیری مبارک، مصر وارد یک دوره انتقالی شد که حدود یک‌سال‌ونیم طول کشید و شورای نظامی قدرت را به‌صورت موقت در اختیار داشت. در آن دوران الازهر و شیخش تلاش کرد به‌عنوان یک بازیگر سیاسی وارد میدان شود. ازجمله اقدامات الازهر در این دوره تاسیس «بیت العائله» و جلسات گفت‌وگوی الازهر بود که سرانجام به صدور «سند الازهر» ختم شد تا بتواند به‌عنوان اساس ارتباط بین دین و دولت عمل کند. در همین دوران بود که الازهر تلاش کرد مجموعه‌ای از حقوق اساسی از جمله حق آزادی بیان را مورد توجه قرار

روز به طور مستقیم کنست(پارلمان) سه قانون مربوط به قدس تصویب کرد، اول اجرای کامل حکم پیشین برای اجرای قانون اسرائیلی، دوم توسعه مرز شهر قدس عربی از ۵/۶ کیلومتر به ۷۲ کیلومتر به هزینه اراضی فلسطین و سپردن کامل این مساحت به شهرداری اسرائیلی قدس و انحلال شورای عربی شهرداری«امانة قدس»، سوم به آزادی عبادی و قانون حمایت از اماکن مقدس مربوط می شود و این مسئله به این معناست که یهودیان اجازه رسیدن به مسجد الاقصی را با ادعای اینکه هیکل در زیر بیت المقدس قرار دارد،داده می شود.

برهمنین اساس، مقامات اشغالگر بخشی از منطقه المغاربه در قدس را تخریب و ساکنان آن را اخراج کردند، سپس به طرد تعدادی از ساکنان منطقه الشرف اقدام کردند، یک واحد ویژه به نام «واحد Aaaum» برای اداره اراضی اسرائیل برپا شد و این واحد ویژه اعراب را به ترک منازل و اراضی شان تحریک کرد و در آن زمان فلسطینی ها از خرید زمین و منزل در شهر قدس و اطراف آن منع شدند.

آمارها نشان می دهد که پس از جنگ؛ بیش از هفت هزار و ۵۰۰ فلسطینی به خارج از دیوارهای قدس کوچانده شدند و ۶۳۰ ملک مصادره و ۱۳۵ ملک دیگر تخریب شدند و تا سپتامبر ۱۹۶۷ تعداد کسانی که مجبور به کوچ شدند، ۲۳ هزار و ۱۹۳ فلسطینی بود، پس از آن رژیم صهیونیستی هویت تعداد زیادی از مسیحیان را نیز لغو کرد و به آنها اجازه ورود و اقامت در اراضی اشغالی را نداد.

در سال ۱۹۶۸، مساحت زیادی از اراضی فلسطینی خارج از شهر قدس مصادر شد و شهرک های صهیونیستی جدید برپا شد و اولین کمربند شهرک نشینان در اطراف قدس برپا شد و در سال ۱۹۶۹ احداث دومین کمربند شهرک نشینان در اطراف قدس با ۱۵

یوسف قرضاوی در برابر الازهر توانست موسسه «اتحادیه روحانیون مسلمان» را پایه‌گذاری کند. بعد از انقلاب اخیر مصر تظاهراتی برگزار شد که در آن خواستار استقلال الازهر می‌شدند و جوانان وابسته به جنبش‌های اسلامی مشارکت گسترده‌ای داشتند.در سال ۲۰۱۱ محمد بدیع مرشد اخوان‌المسلمین با شیخ‌الازهر دیدار و تصریح کرد: «این الازهر است که حقیقت اسلام را به‌شکلی درست‌تر بیان می‌کند.» اینطور به‌نظر می‌رسید که طرفین قصد دارند گذشته‌ها را فراموش کنند و صفحه تازه‌ای را در روابط بکشایند. در دوران یک‌ساله ریاست‌جمهوری مرسی به شکلی اساسی مرجعیت اسلامی به این نهاد دینی واگذار شد. این امر به صورت همزمان تا حدودی از سوی سکولارها و اسلامگرایان مورد تایید قرار می‌گرفت. اما در هنگام تدوین قانونی اساسی به‌ویژه در مرحله دوم به‌شکلی دیگر در آمد و بر ماده ۲۱۹ توافق شد که الازهر را به‌عنوان یک طرف معین در تفسیر شریعت اسلامی معرفی می‌کرد. این ماده به‌شدت از سوی سکولارها و به‌خصوص مسیحیان قبطی که همه از مخالفان سرسخت مرسی بودند، مورد انتقاد قرار گرفت. بعد از آن حادثه مسموم‌شدن طلاب دانشگاه الازهر پیش آمد و کسانی جماعت اخوان را به این کار متهم کردند. همزمان شیخ‌الازهر اقدام به دید و بازدید از دولت‌هایی می‌کرد که با نظام مرسی مشکل داشتند و اینها به نوبه خود مقابله آشکار با سیاست‌های دولت مرسی بود. درنهایت چنان که همگان دیدند شیخ‌الازهر در کنار کسانی قرار گرفت که رییس‌جمهور مصر را که از اعضای برجسته اخوان‌المسلمین بود، از قدرت برکنار کرد.

الازهر قبل و بعد از انقلاب

با شروع انقلاب ۲۵ژانویه در مصر موضعی را که الازهر اتخاذ کرده بود کاملاً به‌نفع رییس‌جمهور مبارک بود. شیخ احمد الطیب هرچند از آزادی بیان و لزوم مسالمت‌آمیزبودن تظاهرات می‌گفت اما پیوسته بر تکیه‌کردن به «رهبری خردمندانه و حکیمانه رییس‌جمهور مبارک و فرماندهان امنیتی» تاکید داشت. الازهر در برابر تظاهرات مردم حتی نمونه‌ای چون «جمعه خشم» موضعی منفی گرفت و روزنامه «صوت الازهر» اقدام به انتشار پیام تبریکی به مناسبت روز پلیس به حبیب العادلی وزیر کشور وقت کرد.

به بهانه برنامه گسترش ساخت و ساز انبوه شهرک های صهیونیستی در قدس اشغالی به بازنگری اجمالی فرآیند سازمان یافته یهودی سازی این شهر مقدس می پردازیم.
این اقدام بنیامین نتانیاهو،نخست وزیر رژیم صهیونیستی برای ادامه ساخت و سازها در اراضی اشغالی به ویژه قدس جدید نیست و همچنین دور از اندیشه صهیونیستی نیست؛ به طوری که «تئودور هرتزل»بنیانگذار جنبش صهیونیستی می گوید: «اگر روزی به قدس به دست آورديم، همچنان زنده بودم و می توانستم هرکاری انجام دهم، همه آثار مقدس را به غیر از آثار یهود را از آنجا محو خواهم کرد و آثار چند هزار ساله را خواهم سوزاند»

برهمنین اساس، طرح صهیونیستی از آغاز باهدف یهودی سازی قدس انجام گرفت و به همین دلیل فلسطین را به طور کامل هدف قرار داد، اما تمرکز بیشتر در قدس بود.

اسناد و مدارک نشان می دهد که قبل از برپایی دولت اسرائیل، منطقه یهودی در قدس از پنج هزار متر تجاوز نمی کرد و نزدیک به ۹۰ خانوار در آنجا سکونت داشتند، اما حکومت قیمومیت انگلیس بر فلسطین و به همراه آن رهبران صهیونیستی، مرز شهر قدس را به روشی ترسیم کردند که با موجودیت یهود مرتبط شد تا پیوستن مناطق یهودی جدید امکان پذیر باشد؛ تنها پس از دوماه از برپایی دولت عبری، قدس به دو بخش غربی برای یهودیان و شرقی برای اعراب تقسیم شد، اما بخش شرقی معروف به «قدس شرقی» یا «قدس عربی» به مسجد الاقصی و اماکن مقدس از دیوار المبکی (ندبه) و هیکل قدیم می پیوندند، به همین دلیل رژیم صهیونیستی در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ بر بخش شرقی مسلط شد تا آنچه را که به آن وعده داده بود و آرزوی هرتزل بود، اجرایی کند، در ۲۵ ژوئن مقامات صهیونیستی حکمی برای اجرای قانونی اسرائیلی در قدس عربی صادر کردند و پس از دو

ادامه از صفحه قبل

اما غالب جریان‌های دینی همواره تلاش داشته‌اند که از مقابله بی‌پروا با این نهاد دینی پرهیز کنند زیرا درصورت وقوع چنین مواجهه‌ای پیروزی با الازهر خواهد بود.
در فاصله دهه ۵۰ قرن بیستم، بیشتر کسانی که به دلیل برخورد جمال عبدالناصر، رییس‌جمهور وقت با اخوان از جماعت اخوان کناره گرفتند کسانی مثل محمد الغزالی و سید سابق والیهی الخولی و عبدالمزم عبدالستار همه جزو ازهری‌ها بودند. خروج شیخ باقوری که نامزد مقام مرشدی بعد از فوت البنا بود از همه بیشتر برای این جماعت گران تمام شد. به‌رحال او بعد از جدایی از اخوان به وزارت اوقاف مصر در دوران ناصر رسید. جالب‌تر اینکه اکثر اینها در دهه ۷۰ دوباره به فعالیت‌های دعوت‌گرایانه اخوانی بازگشتند. برخی از اینها با الازهری‌های مستقل شروع به همکاری کرده و برعمق تاثیر و نفوذ اخوان افزودند. برخی نیز با تندى به انتقاد از الازهر پرداختند که شیخ غزالی و یوسف القرضاوی از جمله اینها بودند.

اختلاف بین الازهر و جماعت اخوان‌المسلمین در دوران مبارک، بیشتر بربنمای موضع سیاسی آنها و نه نگرش‌های اساسی‌شان نسبت به دین شکل می‌گرفت زیرا الازهر به جهت دیدگاه و دانش و دعوت‌به نفع دین عمل می‌کرد و در جبهه محافظه‌کاران قرار می‌گرفت یعنی همان جایگاهی که یکی از ویژگی‌های اصولی اخوان بود. در این دوران مخالفت شدیدی با گروه‌های اسلامگرا می‌شد. مبارک به همان سبک دولت‌های پیشین در مدیریت الازهر ادامه داد و از این نهاد در خدمت ثبات کشور و ایجاد امنیت استفاده می‌کرد.

در یک حرکت موازی با الازهر گروهی از روحانیون ازهری مستقل پا به عرصه گذاشتند که به برخی از گروه‌های اسلامی نزدیک‌تر بودند تا دانشگاه الازهر. مثل شیخ عبدالحمید کشک و احمد المحلاوی و صلاح ابواسماعيل و محمد الغزالی و یوسف القرضاوی و محمود فايد. برخی از این افراد می‌نوشتند و برخی دیگر سخنرانی می‌کردند و در مجموع نقدی گرنده را نثار برخی از روحانیون رسمی می‌کردند. از سوی دیگر گروه‌های مذهبی فعال نیز از این روحانیون مستقل و به اصطلاح مبارز حمایت می‌کردند. سال ۲۰۰۴شیخ

یادداشت:

ماهنامه تاریخی - سیاسی «نسیم بیداری»
برای شماره ویژه نوروزی خود، از رجال و شخصیت های سیاسی معاصر، خواسته بود که در یک صفحه «خاطره ای» مهم از زندگی خود را بنویسند تا در آن ویژه نامه درج شود...
... استاد سید هادی خسروشاهی، بجای یک خاطره طولانی؛ ده خاطره کوتاه تاریخی را نقل کرده که در همان شماره چاپ شده است...

متن آن «خاطرات» ها! جهت اطلاع خوانندگان «بهشت» در این شماره پس از نوروز؛ نقل می شود.

«بهشت»

... بجای یک خاطره طولانی، ترجیح می دهم که چند خاطره کوتاه نقل کنم که عنوانش می شود: خاطرات ها! چیزی مانند: عملیات ها!

۱ - من سمپات «فدائیان اسلام» بودم و گرفتاری آنها پس از حادثه ترور ناموفق نخست وزیر وقت، حسین علاء، که برای امضای قرارداد «پیمان بغداد» - سنتو - می خواست عازم عراق بشود، برای ما «هوداران» سخت دردناک و غم انگیز بود. در قم همراه بعضی از دوستان و برادران همفکر مانند مرحوم علی حجتی کرمانی، برای استمداد به منازل مراجع تقلید و علماء بزرگ می رفتیم... با مرحوم شیخ غلامرضا گلبرخی کاشانی، به دیدار «حاج آقا» - امام خمینی - رفتیم و گفتیم که خلع لباس سید صفوی، مقدمه «اعدام» خواهد بود و باید اقدام جدی از طرف آیت الله بروجردی بعمل آید. «حاج آقا» گفتند که من به نوبه خود اقدامی کرده ام و اگر آقایان پیشنهادی دارند، بفرمایند تا من باز اقدام کنم... آقای گلبرخی گفت: آقای بروجردی سکوت کرده اند و رژیم از این امر سوءاستفاده خواهد کرد... «حاج آقا» بلافاصله گفتند: ماها که نباید برای مراجع تعیین تکلیف کنیم، آنها به تشخیص و تکلیف خود عمل می کنند... و شما از کجا می گوید که ایشان سکوت کرده اند؟ من شخصاً با ایشان صحبت کرده ام و انشاءالله که اقدامی خواهند کرد... بعد افزودند: بنظر من شما کاری با مراجع نداشته باشید. تذکر دادید کافیست به تکلیف خود عمل کرده اید... و اگر پیشنهاد خاصی دارید، بگوئید تا من پی گیری کنم! و ما خواستار پی گیری اقدام آیت الله بروجردی شدیم و ایشان گفتند: وقتکم الله. که به مفهوم پایان ملاقات و خداحافظی بود.

۲ - سال ها بعد که امام از ترکیه به عراق تبعید شده بود، بطور قاجاق از طریق خرمشهر، آبادان، به کمک مرحوم آیت الله قائمی، عالم برجسته آبادان، به عراق رفتم... در نجف اشرف در کوچه ای تنگ و باریک و در دخمه ای که منزل نام داشت، خدمت امام رسیدم، ضمن ارائه گزارشی از اوضاع ایران که به دقت گوش کردند - دوران «رکود» و «سکوت» بود - گفتیم که آقایان مراجع پس از تبعید حضرتتعالی، دیگر فعال نیستند!

امام ضمن تشکر از گزارش من فرمودند: هر کسی باید به تکلیف خود عمل کند، ما چکار به مراجع داریم. آنها به وظایفی که تشخیص می دهند عمل می کنند، ما هم باید به تکلیف خود عمل کنیم و احترام مراجع حتماً باید حفظ شود و هرگونه تعرضی به آنها، برخلاف رضایت حق تعالی خواهد بود.

بعد دعائی در حق بنده کردند و فرمودند: وفقکم الله! یعنی خوش آمدید...

۳ - پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام چند نفر را به عنوان نماینده خاص خود، در بعضی از وزارت خانه ها و نهادهای خاص از جمله وزارت دفاع، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و وزارت ارشاد و غیره تعیین کردند. بنده را به عنوان نماینده خودشان در وزارت ارشاد معرفی نمودند... افراد حاکم بر آن وزارت، که فقط نام آن تغییر یافته بود، درواقع همان وزارت یا اداره

چند خاطره خواندنی از استاد خسروشاهی

و نویسنده معروف رفتم. آقای عطاء الله مهاجرانی و آقای صادق الحسینی هم با من بودند... صحبت های زیادی شد و در ضمن هیکل گفت: علاقه اهل مصر به اهل بیت پیامبر، بیشتر از شما شیعیان است. ما اصولاً «سنی المذهب و شیعی المزاج» هستیم! و اگر شما سراسر مصر را بگردید، هرگز نام «فاطمه» یا «زهره» - بطور مجزا - نخواهید یافت همه آنهائی که این نام را برای دختران خود انتخاب می کنند، حتماً از «فاطمه الزهراء» استفاده می کنند - که چنین بود -

از طرف دیگر، شما نام اولاد خود را حسن یا حسین می گذارید، ولی ما هر دو را یکجا بکار می گیریم و از «حسین» استفاده می کنیم... با هیکل گفتگوهای دیگری هم داشتیم که باشد برای بعد!...

۹ - فتحی شقاقی را در جایی دیدم... تازه خود او شخصاً اعلام کرده بود که چند افسر اسرائیلی توسط جهاد اسلامی به هلاکت رسیده اند... من به ایشان گفتم: این قبیل خبرها را قاعدتاً باید مسئول شاخه نظامی یک حرکت جهادی اعلام کند نه دبیر و رئیس آن!...

گفت: یا اخی من! سالهاست که «زیادی زنده مانده ام» و نگرانی از رفتن ندارم و بلکه عاشق شهادت هستم... چندی بعد، سرهنگ قذافی مجنون و مزدور، با اصرار او را به لیبی دعوت کرد... در مراجعت بقیه رهبران فلسطینی را با هواپیمای اختصاصی به دمشق برگرداند ولی فتحی شقاقی را حتی بدون یک محافظ، به جزیره «مالت» فرستاد و در هتل خاص پسرش سیف قذافی! اسکان داد و روز بعد، چند تروریست اسرائیلی، او را در جلو درب ورودی هتل، «ترور» کردند و به شهادت رسید. ۱۰ - سی - چهل سال قبل با راشد الغنوشی در «الجزائر» منزل ایدئولوگ اسلامی مغرب عربی، «مالک بن نبی» آشنا شده بودم... وقتی او همراه دوستانش حرکتی را به نام «الاتجاه الاسلامی» در تونس پایه-گزاری کرده و شروع به فعالیت نمودند، خیلی خوشحال شدم...

در همان ایام من در ایتالیا - واتیکان - بودم، نشریات درون گروهی جمعیت را برای من می فرستادند... رژیم بورژیه این حرکت را برتافت... و اعضاء رهبری دستگیر و به دادگاه کشیده شدند... من در مصاحبه ای با مطبوعات ایتالیائی ضمن اعتراض به این اقدام دولت تونس، گفتم: بجای آنکه شیخ راشد الغنوشی به ریاست جمهوری انتخاب شود، او را به زندان افکنده اند!

... زمان گذشت، شیخ راشد توانست از تونس خارج شود و به سویس برود و... در منطقه «کامپیون» - بین سویس و ایتالیا - میهمان مهندس یوسف ندا، مسئول وقت اخوان بین الملل بود که یوسف ندا تلفنی مرا مطلع ساخت... به دیدار او رفتم و در ضمن گفتگوهای زیاد و در چند روز اقامت، شیخ راشد گفت: یکی از دلایل تشدید در محاکمه من و اضافه شدن زندان، از ۱۵ سال به حبس ابد، مصاحبه شما بود... در دادگاه روزنامه ایتالیائی را جلو من گذاشتند و گفتند که چرا سفیر ایران تو را برای ریاست جمهوری کانید! کرده است؟

گفتم: من که مدت ها است در زندان هستم و نمی دانم که چرا «سید خسرو» مرا کانید! کرده است؟ از خود او پرسید...

با سخره گفتند: حالا مدتی بیشتر در زندان بمانید تا نوبت ریاست جمهوری شما برسد!

.. و البته پس از پیروزی، به راشد زنگ زدم و تبریک گفتم و اشاره کردم که وقت ریاست جمهوری است، ولی او گفت: من هیچ پستی را قبول نخواهم کرد، باید میدان را برای جوان ها باز گذاشت... و چنین کرد و ای کاش بعضی از دوستان ما هم از این روش استفاده می کردند... البته ای کاش!

خاتمه: و این شد اشاره ای به «خاطرات ها» .. بقیه باشد برای بعد.

نقل از ماهنامه: «نسیم بیداری» چاپ تهران شماره ۴۵ و ۴۶ (فروردین ۹۳)

وقت در وزارت متبوع! ارزش آن را درک نکردند و پوشش خبری و بهاء لازم به آن ندادند... اصولاً شیوخ الازهر هوادار تقریب بین مذاهب هستند و با مرحوم علامه شیخ محمدتقی قمی، در تأسیس دارالتقریب همکاری های جدی بعمل آوردند و کتب فقهی و تفسیری شیعه (مختصر النافع، تفسیر مجمع



استاد خسروشاهی در کنار امام خمینی (ره)

البیان و...) را با مقدمه بعضی از رجال الازهر، منتشر ساختند... و این وضع ادامه داشت تا اینکه «بنی سعود» به میدان آمدند و با ایجاد «شیعه هراسی» و هزینه کردن میلیارد ها دلار، نه تنها در مصر بلکه در بلاد اسلامی و عربی دیگر هم فعالیت های همه جانبه ای علیه تشیع و شیعیان انجام دادند و می دهند...

... سلفی های تکفیری در مصر و عراق و افغان و سوریه و غیره هم فرزند نامشروع همین مفتی های «پنتاگون» و فرماندهان «پترودلاری» هستند که نتیجه اعمال وحشیانه آنان را که حتی در تاریخ بربرها و تاتار و مغول نظائر آن را نداشته بودیم، همه روزه می بینیم... و الفتنة کانت نائمة لعن الله من یقظها...



ملاقات پاپ ژان پل دوم با استاد خسروشاهی در واتیکان

۷ - کنفرانس دی - هشت در قاهره برگزار شد. رؤسای ۸ کشور اسلامی قرار بود در آن شرکت کنند... از ایران حضرت سید محمد خاتمی نتوانست! حضور یابد... آقای دکتر خرازی که وزیر امور خارجه بود حضور یافت و من در مدت اقامت همراه ایشان در دیدارها بودم...

دو سه بار با آقای حسنی مبارک دیدار داشتیم. آقای خرازی اصرار داشت که مصر از کامپ دیوید دور شود! و معلوم بود که حسنی مبارک همچو اختیاری نداشت! و از پاسخ مثبت طفره رفت... پس از پایان ضیافت شامی که به احترام میهمانان کشورهای اسلامی در کاخ ریاست جمهوری برپا شده بود، درموقع خداحافظی، حسنی مبارک دست مرا گرفت و گفت: برای تکمیل کادر اداری که درخواست کرده اید نیروی اضافی بیاورید، مواظب باشید که «متطرفین»! - تندروران - را نیاورید... از اصلاح طلبان بیاورید! من گفتم: حتماً از نیروهای اسلام گرای معتدل استفاده خواهیم کرد... مبارک افزود: آخر می دانید! در کشور شما، عده زیادی معتدل و اصلاح گرا هستند، ولی «بردمجانین»! یعنی بعضی ها هم دیوانه هستند! این جمله را من بر نتافتم و بلافاصله گفتم: فخامه رئیس! مثل بلادکم! ارض الکنائه! و خداحافظی کردم... در دیدار بعدی، چند ماه بعد، حسنی مبارک با سردی مطلق با من روبرو شد و برخورد محترمانه ای نداشت و حتی بنظر احوالپرسی هم نکرد... و من هم از ته دل گفتم: الحمدلله رب العالمین

۸ - در مصر به دیدار محمد حسنین هیکل، سیاستمدار

بنابر این تبلیغ وهابیت در کشورهای اسلامی مسأله‌ای واقعاً جدی است. در چند سال گذشته از سوی دستگاه‌های تبلیغاتی و انتشاراتی و مراکز علمی و تبلیغی وهابیت صدها و بلکه هزاران جلد کتاب و نشریه در تبلیغ وهابیت و دشمنی با تشیع و اهل بیت(ع) چاپ و در کشورهای ایران(مناطق سنی‌نشین شرق و غرب) پاکستان، عراق، سوریه، لبنان، هند، اردن و افغانستان، مصر، لیبی، الجزایر، مغرب، ترکیه، کشورهای آسیای میانه، تاجیکستان و کشورهای اروپا و آمریکا توزیع و تبلیغ شده و می‌شود.

اما شکل دیگر عملکرد فرقه وهابیت، عملکرد ناصواب و همراه با خشونت این فرقه است که به اسم اسلام و دفاع از دین خدا، در کشورهای اسلامی شاهد هستیم! مفتی‌های این فرقه به خود اجازه می‌دهند که به دلایل واهی و به دور از عقل و منطق و حتی دینی که دم از اطاعت آن می‌زنند خون هزاران زن و مرد و کودک و پیر را بر زمین بریزند.

اقدامات اخیر این فرقه منحرف و تکفیری‌های وابسته به آنان به خصوص در کشور سوریه بر کسی پوشیده نیست. از طرفی در کشورهای مسلمان پاکستان و افغانستان و حتی عراق که حضور شیعه جدی و پررنگ است، سرکردگان وهابی با فتوای تکفیر شیعه، مردان به خواب رفته خود را تشویق به کشتار و قتل عام شیعیان می‌کنند.

البته فرقه ضاله وهابیت در کشور ما به دلایل امنیتی بالا و قرار داشتن شیعه در اکثریت، جولانی برای عملکرد سبعانه خود نیافته است، اما تلاش دارد با استفاده از تبلیغات بر مردم کشور ما به خصوص سنی‌مذهبان ساکن در مناطق مرزی تأثیر بگذارد. هموطنانی که از تبلیغات سعودیان وهابی در امان نیستند و این مسأله پس از پیروزی انقلاب اسلامی تشدید شده است.

متأسفانه در کشور ما (ایران اسلامی) هم وهابیت از حسن نظر اهل سنت سوء استفاده کرده و در مدارس علمیه‌شان دیده شده است که کتاب‌های ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب به صورت آشکار برای طلاب تدریس و دیگر کتاب‌های وهابی‌ان به صورت اهدایی میان طلاب و روحانیون منطقه توزیع می‌شود. جزایر قشم و کیش به دلیل نزدیک بودن به کشورهای خلیج فارس و استفاده از رادیو و تلویزیون‌های منطقه که مسلک وهابیت را تبلیغ و از نظام شیعی حاکم بر ایران انتقاد و بدگویی می‌کنند، نیز در معرض آسیب و حتی خطر گرایش قرار دارند. فرقه وهابیت در این اندیشه است که روزی بتواند از برادران اهل سنت در جهت تحقق برنامه‌های سیاسی خود استفاده کند که به لطف خداوند و زبرکی این عزیزان، دشمنان این مرز و بوم به لحاظ آگاهی سیاسی برادران اهل سنت هیچ گاه به آرزوی خود نخواهند رسید، آن شاء الله.

فرقه وهابیت تکفیری چگونه تبلیغ می‌کند؟

حجت الاسلام والمسلمین عباس جعفری فراهانی



- کتابخانه عمومی «ملک عبدالعزیز» دارای ۲۰۰ هزار جلد کتاب عربی، انگلیسی و مجموعه زیادی از نسخه‌های خطی کمیاب و نشریات ادواری در موضوعات گوناگون.

- کتابخانه دانشگاه اسلامی «مدینه منوره» دارای ۳۳۴ هزار جلد کتاب، نشریه، پایان نامه، اسلاید و میکروفیلم در موضوعات گوناگون.

- کتابخانه «انجمن اداره عمومی» دارای بیش از یک میلیون و ۷۷۰ هزار جلد کتاب عربی، انگلیسی و مجلات دوره‌ای و نشریات دولتی.

- کتابخانه ملی «ملک فیصل» دارای ۳۷ هزار جلد کتاب به زبان عربی، انگلیسی و فرانسوی.

- و کتابخانه ملی «ملک فهد» که در حال حاضر، بیش از ۳۰ هزار مدرک و سند پیرامون تاریخ عربستان و توسعه کشور سعودی نگهداری می‌کند. اینها از جمله کتابخانه‌هایی هستند که برای حفظ و نگهداری از آثار وهابیت در عربستان فعالیت دارند.

ناگفته پیداست که بخش مهمی از کتاب‌های منتشر شده به زبان‌های عربی، انگلیسی، فارسی و اردو در چاپخانه‌ها غیر از کتب قدیمی پیشوایان سلفی‌گری مانند ابن تیمیه، ابن قیم، ابن کثیر و محمد بن عبدالوهاب، اختصاص به رد عقاید مذهب شیعه و دشمنی و ضدیت با آن به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران دارد که ناشران با دستور حاکمان وهابی با حدیث زیادی آن‌ها را چاپ و در داخل عربستان و خارج از آن در میان مسلمانان و غیر مسلمانان البته بیشتر به صورت اهدایی توزیع می‌کنند.

یکی از مسائل مهمی که در بیشتر این کتاب‌ها به چشم می‌خورد و نویسندگان وهابی آن را مطرح می‌کنند، مسأله اختصاصی دانستن تفسیر اسلام و سنت نبوی به مرکز وحی(حرمین شریفین) و علما و ساکنان آن است و هر گونه عقیده و فکری را که خارج از محیط حرمین در سراسر جهان مطرح شود، باطل می‌دانند.

۳- تلاش‌های وهابیت تکفیری از تبلیغات گسترده تا قتل عام مسلمانان

دانشمندان و مفتیان وهابی خود را متولیان و مفسران جهان اسلام می‌دانند و داعیه رهبری آن را دارند. آنان با فراخوانی متفکران و دانشمندان جهان اسلام و با در اختیار گذاشتن امکانات(کتابخانه و بودجه) در راه این هدف تلاش می‌کنند.

ترتیب مبلغان مذهبی داخلی و خارجی در دانشگاه‌های عربستان جایگاه ویژه‌ای دارد؛ مبلغانی که پس از طی دوره‌های لازم، آیین و مرام وهابیت را فرا گرفته و برای معرفی وهابی‌گری و مبارزه با افکار تشیع به خصوص ایران اسلامی به سراسر دنیا اعزام می‌شوند. فعالیت‌های تبلیغی وهابی‌ان در مناطق شیعه‌نشین منطقه شرقی عربستان مانند قطیف، احساء، دمام و ظهران نیز کم نیست.

چاپ و منتشر می‌شود، درباره مباحث توحید و شرک، بدعت و نهی مردم در استفاده از دعا و توسل و شفاعت است.

اوج گسترش شاعر مذهبی وهابیت در موسم فریضه حج تمتع دیده می‌شود. به دلیل اهمیتی که

مسئله حج در بین مسلمانان جهان دارد و حضور میلیون‌ها مسلمان در این کشور، حاکمان سعودی وزارتخانه‌ای مستقل به نام «حج» تشکیل داده‌اند که وظیفه اساسی و مهم آن رسیدگی به مسائل حج و حجاج است.

تمامی علما و دانشمندان وهابی باید برای برگزاری مراسم آمادگی کامل داشته باشند و احکام و سؤالات شرعی حاجیان را بر اساس فرقه وهابیت پاسخ گویند.

البته اداره حرمین شریفین یعنی مکه و مدینه از وظایف عمده وزارت حج و شئونات اسلامی است. این وزارتخانه به طور منظم کتاب‌ها و مجلاتی برای معرفی مکان‌های تاریخی و اعمال مذهبی مسلمانان طبق مسلک وهابیت چاپ، منتشر و توزیع می‌کند.

وهابیون در عربستان برای نهادینه کردن مبانی فکری خود مراکز علمی متعددی تاسیس کرده‌اند که مهمترین وظایف آن‌ها آموزش‌های اسلامی، چاپ و توزیع قرآن و کتب اسلامی، آموزش زبان عربی، کمک مالی به کشورها و اداره مؤسسات خیریه در سراسر جهان است که تمام هزینه‌های آن توسط آل سعود تأمین می‌شود.

حکام وهابی آل سعود از تمامی امکاناتی که از استخراج نفت و سایر درآمدها به دست می‌آورد، در راه تبلیغ حکومت استبدادی سعودی و آیین منحرف وهابیت استفاده می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مراکز فرهنگی- رسانه‌ای(رادیو، تلویزیون و مطبوعات) تلاش در معرفی نظام حکومتی آل سعود و آیین وهابیت به عنوان بهترین تشکیلات اداری و مذهب مورد علاقه مردم و هماهنگ با قرآن و سنت نبوی(ص) است، از این‌رو هر گونه تحقیق و پژوهش که همگام با این برنامه‌ها باشد تهیه و تنظیم و منتشر می‌شود و هر گونه تألیف و تحقیقی که موافق با مذاهب دیگر به ویژه مذهب تشیع دوازده امامی باشد، به عنوان انحراف از دین اسلام و بدعت و کفر معرفی شده و مردم را از نزدیک شدن به آن منع می‌کند.

۲- تأسیس کتابخانه‌های مدرن برای تبلیغ وهابیت

یکی دیگر از برنامه‌های جدی وهابیت تأسیس کتابخانه‌های مهم است که تعدادی از این کتابخانه‌ها به این شرح است:

- کتابخانه دانشگاه «ملک سعود» در شهر ریاض با بیش از ۱۱ میلیون جلد کتاب عربی و فارسی، سه هزار نشریه ادواری، هشت هزار و ۶۰۰ نشریه دولتی و منابع کمیاب خطی فراوان.

اشاره: امروزه وهابیت به عنوان یک فرقه ضاله وهابیت تکفیری و آل سعود به گونه ای دست به تخریب اسلام ناب محمدی(ص) زده که سراسر دنیا با توجه به اعمال و رفتار این گروه افراطی، دین اسلام را به عنوان دینی خشک و خشن که هیچ گونه انعطاف و مهربانی در آن وجود ندارد تلقی می‌کنند. مدعیان اسلام سلف صالح با اسامی و رنگ و لعاب دینی و مذهبی در قالب گروه‌ها و احزاب گوناگون و به صورت مسلحانه، این روزها با مردم مظلوم و بی دفاع سوریه و عراق و لبنان از شیعه و سنی و یهودی و مسیحی، رفتاری انجام می‌دهند که روی جنایت کاران تاریخ از معاویه و یزید و حجاج و ... و چنگیز و هیتلر و موسیلینی و صدام و ... را سفید کرده اند! اف و نفرین بر این تروریست‌های خبیث و حامیان سیاسی و مالی آنها همانند آمریکا و صهیونیسم و آل سعود.

از این رو بر تمامی مسلمانان جهان است تا با جدا نمودن صفوف خود از این گروه ضاله، ماهیت آن را در جهان افشا نمایند تا بر همگان واضح و روشن شود که وهابیت وصله ناهمگونی است که هرگز به اسلام ناب محمدی(ص) نخواهد پیسید.

۱- شیوه‌های تبلیغ وهابیت

حکام وهابی آل سعود، از تمامی امکاناتی که از استخراج نفت و سایر درآمدها به دست می‌آورد، در راه تبلیغ حکومت و آیین منحرف وهابیت استفاده می‌کنند. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی آنان تلاش در معرفی رژیم سعودی به عنوان حکومتی هماهنگ با قرآن و سنت نبوی(ص) است؟!.

وهابیت در زمان حاضر از منابع مالی قابل توجهی برخوردار است که ناشی از قدرت نفت و ثروت فراوان کشور عربستان است و به اعتراف کشورهای صنعتی دنیا، وهابیت بر بیشترین و بزرگ‌ترین مخازن نفتی جهان تسلط دارد، از آنجا که بیشترین تجمع وهابی‌ها در عربستان سعودی است، سرنوشت و منافع بخش عمده‌ای از مردم عربستان با خاندان سعودی گره خورده است. جمعیت خاندان آل سعود که بیش از چهار هزار نفر هستند عمده مشاغل و پست‌های کلیدی رادر سراسر کشور عربستان در دست دارند، از طرف دیگر هیچ قانونی در مقابل پادشاه که در مرکز وهابیت قرار دارد، وضع نشده است.

آل سعود با توسل به خشونت و زور، مردم را به پذیرفتن آموزه‌های فرقه وهابیت وادار کرده و تنها عده کمی از مسلمانان که اکثریت آن‌ها را شیعیان تشکیل می‌دهد، تسلیم نشده‌اند.

وهابی‌ها نسبت به آیین‌ها و شعائر مذهبی سخت‌گیری زیادی دارند و با تعمیر و ساختن قبور پیامبران، زیارت قبور اموات، توسل به اولیای الهی، نذر برای درگذشتگان، طلب شفاعت و بزرگداشت آن‌ها به طور جدی برخورد می‌کنند. تمامی کتاب‌ها، مجلات و سخنرانی خطیبان در مساجد، به ویژه مسجدالحرام و مسجدالنبی(ص) که

ادامه از صفحه اول

*** حزب الله، حزبی که متعلق به مردم است**

اما درباره مدیریت حزب بر اساس برخی تحلیل‌ها در جهان عرب و کشورها و ملت‌های عربی و اینکه بخواهیم در اینجا و آنجا دخالت کنیم و معادلات منطقه را تغییر دهیم، غیر ممکن است. شما از حزبی سخن می‌گویید که متعلق به ملت است نه حکومت، حزبی که در یک کشور بزرگ قرار ندارد و امکانات انسانی و مادی مهمی نیز در اختیار ندارد.

باید توجه داشت که سرنوشت مسؤولیت سیاسی با دو بُعد انسانی و مبارزاتی آن به دست یک شخص نیست هرچقدر هم که آن شخص محبوبیت و تقدس داشته باشد. درست است که او رهبر است، اما او بخشی است از مجموعه‌ای که برای رسیدن به اهداف خود از طریق برنامه ریزی، تلاش میکنند تا بتوانند آینده بهتری برای

فرزندان خود بسازند.

ابهت این تصویر فقط متعلق به یک نفر نیست، متعلق به تمام مجموعه و دستاوردهای آن میباشد. این ابهت نتیجه یک تلاش ملی است که تمام افراد مخلص کشور در آن سهیم هستند.

معادله بسیار ساده است: این ما هستیم که سرنوشت خود را رقم می‌زنیم و این ما هستیم که تاریخ خود را می‌نویسیم، تاریخی که باید با بی طرفی به آن بنگریم تا بتوانیم در آن تأثیر گذار شویم.

رهبر، کسی است که با حس رهبری و فرماندهی و مسؤولیت خود بداند ملت‌های عرب از موضع گیری‌های دولت‌های عربی در برابر دشمن صهیونیستی و مساله فلسطین خشمگین هستند، ملت‌های عرب احساس خفت و خواری میکنند. و طبق سنت‌های تاریخی و تجربه‌های فراوان جوامع بشری هر کس

یادداشت روزنامه‌السفر درباره سید حسن نصرالله

«صدای «سید» همچنان طنین انداز است

گویی صدای سید در پایان یکی از سخنرانی‌های او هنوز طنین انداز است که گفت: ما در این کشور جد اندر جد از صدها سال پیش و شاید هزاران سال پیش تا کنون زندگی کرده ایم. ما اینجا متولد و بزرگ شده ایم و زندگی کرده ایم و قبور شهدا و پدران واجد ما اینجا است، ما اینجا می‌میریم و اینجا می‌مانیم و از اینجا نمی‌رویم.

دروم ما به این رهبر و سیدی که مقاومت با وجود صفحات افتخار و مجد را در تاریخ جهاد نگاشت و توانست الگویی باشد برای پاسداران سرزمین‌ها و کرامت انسان‌ها در رویارویی با دشمن اسراییلی که فلسطین را اشغال کرده و ملت آن را از سرزمین خود بیرون رانده و میخواست اشغالگری خود را تا لبنان ادامه دهد و این جهاد بر حق بود که توانست سرزمین لبنان را آزاد سازد و کرامت را به مردم آن بازگرداند.

منبع: خبرگزاری حوزه

تواند به این رنج پایان دهد و این احساس خواری و ذلت را از بین ببرد، مورد قبول توده‌ها قرار میگیرد. برخی نظام‌های فاسد و ضعیف و سست هستند که بنا به قوانین حاکم بر تاریخ و جوامع، وقت رفتن آنها فرا رسیده است.

چنین مسؤولیتی میتواند اسوه مردم باشد تا از او پیروی کنند و آرزوهای خود و راه نجات و بازیابی کرامت خود را در او بیابند و سقف انتظارات خود را بالا ببرند و در چنین صورتی گاهی محاسبه این رهبر و نظارت بر او نیز به خاطر ترس و نگرانی از شکست و زیان این تجربه، سخت خواهد بود.

سید حسن نصرالله امروز نهال احساس مسؤولیت را در جان‌های ما کاشته و اعتماد به نفس را به ما باز گردانده است به گونه ای که کسی را که به فکر سوء استفاده از مشکلات ما باشد نمیپذیریم.

چند سالی است که مرکز فرهنگ و معارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم با استفاده از ظرفیت قرآن پژوهان حوزوی و دانشگاهی اقدام به تدوین نخستین دایره المعارف قرآن کریم در جهان اسلام کرده است و تاکنون ۱۱ جلد آن به علاقه مندان مطالعات قرآنی ارائه شده است.

بر اساس برنامه ریزی های انجام شده، قرار است این مجموعه در قالب ۳۰ جلد و حدود ۳ هزار مدخل تدوین شود. حجت الاسلام علی خراسانی مسئولیت این پروژه را عهده دار است و نوشتار ذیل را درخصوص ضرورت تدوین دایره المعارف های اسلامی و بخصوص تدوین دایره المعارف قرآن کریم و اصول حاکم بر آن نگاشته که تقدیم خوانندگان می شود.

دایره‌المعارف‌هایی که در مغرب زمین درباره اسلام و موضوعات اسلامی تالیف شده‌اند و می‌شوند، بدون تردید اثرگرفته از دیدگاه غربیان درباره اسلام و فرهنگ اسلامی‌اند و تاثیر این دیدگاه بر گزینش مدخل‌ها و چگونگی مقالات انکارناپذیر است.

از این گذشته، بیگانه هرگز به اندازه خودی برای انتقال فرهنگ اصیل اسلامی دل نمی‌سوزاند و همت نمی‌ورزد، البته نباید نادیده گرفت که ویژگی بارز دایره‌المعارف، یعنی علمیت و پرهیز از ارزش داوری، سبب شده که برخی از دانشوران به تدوین دایره‌المعارف در باب موضوع‌های مقدس و مذهبی رغبت نشان ندهند. به پندار این گروه، هرگونه ورود به قلمرو این گونه موضوع‌ها باید با نگاه درون مذهبی انجام پذیرد و چنین نگاهی مستلزم داوری است. برای سازگار ساختن این دو نگرش، باید راهی میانه را برگزید؛ به گونه‌ای که هم علمیت بی‌طرفانه و هم غیرت و حمیت دینی حفظ شود. از قضا، اگر کار تدوین مقالات دایره‌المعارفی به درستی و استواری صورت پذیرد، همین راه میانه طی می‌شود؛ یعنی اگر مقاله بر اطلاعات دسته اول و سالم مبتنی گردد و نیز با تحلیل‌های علمی و غیرمتعصبانه آمیخته باشد، خود به خود حقیقت را متجلی می‌سازد و لزومی ندارد با عبارت‌های غیرعلمی و متعصبانه درآمیزد تا از حقیقت دفاع کند. اگر نویسنده مقاله دایره‌المعارفی از این شیوه بهره گیرد، چنانچه ناچار باشد گاه دیدگاه‌های نادرست را هم نقل کند، به طور قطع به نقد عالمانه آن‌ها می‌پردازد تا هیچ مخاطبی دچار کج‌اندیشی نشود و

رئیس کمیسیون پیوست‌نگاری فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: اگر هر الگویی را بدون بومی‌سازی کردن برای اداره کشور، از بیرون جامعه خود اقتباس کنیم، فرهنگ جامعه مبدأ را نیز با خود خواهد آورد.

حسن بنیانیان، رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی و پیوست‌نگاری فرهنگی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن(پیوست‌نگاری فرهنگی را نقطه اتصال دو محور اساسی شعار سال جدید دانست و اظهار کرد: البته اول باید اهالی رسانه یک تعریف جامع و کامل از فرهنگ مورد نظر مقام معظم رهبری به دست بیاورند و ارائه کنند.

وی با اشاره به اینکه مقام معظم رهبری تعبیر «هوا» را برای فرهنگ به کار برده‌اند، گفت: ایشان مرتباً تأکید دارند که فرهنگ مانند هوا است که همه ما را احاطه کرده است؛ ما از هوا استفاده می‌کنیم و با عملکرد خود بر آن تأثیر می‌گذاریم. از سوی دیگر از آنجا که ما آخرین و کامل‌ترین دین الهی را در اختیار داریم این دین نقش زیادی در فرهنگ ما ایفا می‌کند.

فرهنگ صرفاً تقویت نماز جماعت اداره‌ها نیست

بنیانیان تصریح کرد: اگر بخواهیم دین را در روابط جامعه اجرایی کنیم باید آن را به فرهنگ

بدیهی است که نقد منصفانه و عالمانه، هرگز با علمیت منافات ندارد.

از دیگر سو، اندیشه تدوین دایره‌المعارف‌های اختصاصی دیرگاهی نیست که ذهن دانشوران ما را به خود مشغول داشته است. تنوع و گستردگی مطالب درباره یک موضوع، گاه اقتضا می‌کند که دایره‌المعارفی در چندین مجلد به آن اختصاص یابد. در این میان، هر قدر سترگی و اهمیت موضوع افزون‌تر باشد، لزوم تدوین دایره‌المعارفی اختصاصی در آن موضوع، بایسته‌تر است. روشن است که قرآن کریم و مباحث مربوط به آن، از مصداق‌های بارز چنین موضوعاتی به شمار می‌روند.

ضرورت تدوین دایره‌المعارف قرآن

پیشینه تدوین نخستین دایره‌المعارف قرآنی را باید در سیره مبارک حضرت امیرمومنان علیه‌السلام جست. آن بزرگوار رساله‌ای درباره ۶۰ نوع از انواع علوم قرآنی داشته که به این نام خوانده شده است: ما وُرِدَ عن امیرالمومنین فی اصناف آیات القرآن و انواعها و تفسیر بعض آیاتها. این نخستین کتابی بوده که درباره علوم قرآنی تدوین گشته و چنان که در روایات آمده، مطالب آن را پیامبر گرامی بر آن حضرت املا می‌فرموده است. مطالبی از این کتاب را ابوعبدالله محمد نعمانی در تفسیر خویش از طریق ابن‌عقده و او به سند پیوسته از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که در مجلد نود بحارالانوار (ص ۱۷۹) ذکر شده است.

بی‌گفت‌وگو، قرآن کریم، اقیانوسی کران ناپیدا است که دستیابی به ژرفای معانی و بطون معارفش برای غواصان معرفت‌پژوه به طور کامل میسر نیست و به راستی، مصداق سخن امیر کلام است که فرمود: بحرا لا یُدْرک قَعْرُه؛ باین حال، همه ما دعوت شده‌ایم بر کرانه این اقیانوس به جست‌وجو پردازیم و از زلال آن نَمی برگیریم و آتش چهل و حیرانی را هر چند دمی برنشانیم؛ از همین رو است که تبیین و تفسیر معارف قرآنی، از دوران نخستین مفسران اصیل قرآن، پیامبر(ص) و امامان معصوم علیهم‌السلام تا این روزگار، دامن گسترده و همچنان بر تارک میراث مکتوب فرهنگ ما می‌درخشد. از آنجا که یافتن بخشی از گوهرهای ناب قرآنی، به فراخور حال و توان هر عصر و نسل، رزق گرانبهای انسان در همه روزگاران است، فرزندان دوران ما نیز در تکاپویند تا از اقبال لایزال قرآن پژوهی طرفی ببرندند و در این زمره، فخری نصیب خویش و حظی از آن معرفت‌نوشان این عصر کنند. تدوین دایره‌المعارف قرآن کریم که «مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم» بدان همت گماشته، گامی در این مسیر است که با عزمی سترگ آغاز گشته

و با استعانت از نور قدوسی قرآن شریف، امید است که زودآرود به منزل مقصود راه برد.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن در آغاز فعالیت خود برای تکمیل برداشت‌های تفسیر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی کار تدوین تفسیر راهنما را با روشی نو آغاز کرد که در ۲۲ جلد ارائه شده است. در این تفسیر، بیش از ۶۰ هزار فیش و برداشت از قرآن بر اساس ترتیب آیات گرد آمده که همه دارای نمایه بوده، از فهرست موضوعی جامعی برخوردار است. در مرحله بعد، به منظور راهیابی آسان به موضوعات و مفاهیم قرآنی، فیش‌های موجود با افزودن اطلاعات تکمیلی در پژوهش جدید، بر پایه نظام الفبایی طبقه‌بندی و در ۳۳ جلد با عنوان فرهنگ قرآن عرضه شده است.

اکنون کوشش می‌شود با استفاده از تجربیات به دست آمده و پژوهش‌های یاد شده و هماهنگ با آن‌ها، در جهت تکمیل پژوهش‌های قرآنی، فراهم ساختن پیش نیاز تفسیر موضوعی و پرداختن نظامواره به موضوعات قرآنی برای هر یک از عناوین و مدخل‌های فراهم آمده، مقاله‌ای نگاشته شده، تدوین دایره‌المعارف قرآن کریم سامان یابد.

هدف تدوین دایره‌المعارف قرآن کریم

با سیری گذرا در آثار قرآنی، آشکار می‌شود که تاکنون هیچ ماحذی به هیچ زبانی تدوین نشده که هدف آن، ارائه اطلاعات دایره‌المعارفی به سبک و شیوه علمی و با معیارهای امروزی تدوین دایره‌المعارف باشد. «نظام‌یافتگی اطلاعات پایه و اصیل در قالب مقالات تنظیم شده با نثر علمی» مهم‌ترین دغدغه تدوین دایره‌المعارف‌های امروزی است که در هیچ‌یک از آثار گذشته نمی‌توان از آن نشان جست؛ به این دلیل که پدیدآورندگان آن آثار یا در پی چنین هدفی نبوده و فقط می‌خواسته‌اند قاموس یا معجمی قرآنی پدید آورند یا این هدف را دنبال می‌کرده‌اند؛ اما سازمان و مجموعه‌ای دایره‌المعارفی تدارک نکرده بودند تا بتوانند چنین هدفی را تأمین سازند.

هدف اصلی این دایره‌المعارف، عبارت از ارائه اطلاعات ناب و اصیل در قلمرو موضوعات قرآنی است؛ به‌گونه‌ای که اهل تحقیق این موضوعات را به مثابه منبعی مادر و ماندگار، از منابع فرعی بی‌نیاز کند. در کنار این هدف اصلی و خاص، غرض عمومی تدوین دایره‌المعارف حاضر این است که مخاطبان دانش‌پژوه در حد مطالعات پایه اسلامی نیز بتوانند از پژوهش‌های اصیل و قویم قرآنی بهره گیرند؛ ازاین‌رو، کوشیده شده تا طلاب و دانشجویان و عموم دانش پژوهان آشنا به مبانی قرآنی نیز به فراخور توان و در عرصه مطالعات عمومی

فرهنگ غرب را بومی می‌کنیم بدون تهاجم!

ندارد/ احساس مسئولیت را از افراد گرفته‌ایم

رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی در ادامه عنوان کرد: تلقی از فرهنگ در ذهن مدیران ما وجود

ندارد و علت آن نیز این است که ما فرهنگ را کوچک و به یک وزارتخانه واگذار کرده‌ایم و با این کوچک کردن و تکرار آن در رسانه‌ها احساس مسئولیت را از افراد گرفته‌ایم. همه مدیران بخش خصوصی و دولتی در جامعه اسلامی باید درکی از فرهنگ و نسبت آن با دین و وظیفه‌ای که بر گردن خود دارند داشته باشند و تا جایی که خودشان می‌توانند در این زمینه فعالیت کنند و هر جایی که نمی‌توانند به متخصصان مراجعه کنند؛ تحقق این امر یعنی به راه افتادن گفتمان پیوست نگاری فرهنگی در کشور برای همه امور نه صرفا چند پروژه مهم.

وی با تأکید بر اینکه معتقد است پیوست‌نگاری فرهنگی باید یک گفتمان در تمام کشور شود و نخبگان جامعه این امر را مطالبه کنند، گفت: تهاجم فرهنگی از طریق مردم منتقل می‌شود بر همین اساس مردم باید آگاه شوند و البته در راس آنها نخبگان.

بنیانیان به تأثیر فرایندهای جهانی بر روی فرهنگ



منتقل و از طریق فرهنگ در همه تصمیم‌گیری‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... دخیل کنیم. اما متأسفانه وقتی کلمه فرهنگ عنوان می‌شود خیلی زود فکرها به طرف کالاهای

فرهنگی سوق می‌یابد و مثلاً این برداشت صورت می‌گیرد که صرفا نماز جماعت اداره‌ها تقویت شود. اما مسئله فرهنگ فراتر از اینها است. مثلاً ما باید ببینیم تصمیمی که در حوزه اقتصاد می‌گیریم چه ارتباطی با اعتقادات، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری دارد که اسلام ناب به ما ارائه کرده است و از سوی دیگر تصمیمی که می‌گیریم وقتی در جامعه جاری شد چه تأثیری بر ارزش‌ها و الگوهای رفتاری می‌ما گذارد.

وی در خصوص فواید داشتن چنین نگاهی به فرهنگ گفت: وقتی نگاه به فرهنگ فراتر از کالای فرهنگی است موجب می‌شود ضمن اینکه مسافت روزمره را در عرصه اقتصاد، معماری، شهرسازی و ... اجرا می‌کنیم به تدریج فرهنگ را نیز به سمت اسلامی شدن سوق دهیم چرا که همه بازیگران اجتماع بازیگرانی با نقش مثبت خواهند شد و همه نقش درخت را خواهند داشت که هوا را تصفیه می‌کند.

تلقی از فرهنگ در ذهن مدیران ما وجود

تاملی بر ضرورت تدوین دایره المعارف های قرآنی

یا تخصصی خود، بتوانند از مقالات این دایره‌المعارف استفاده کنند. روشن است که این غرض عمومی، در جنب آن هدف اصلی تأمین می‌شود و این دو، تزاممی باهم نخواهند یافت. یادکردنی است که بنیان این حرکت سترگ برآندند تا دایره‌المعارف حاضر را به زبان‌های علمی روز ترجمه کنند و نیز دایره‌المعارفی قرآنی در سطح کودکان و نوجوانان فراهم آورند.

اصول و ضوابط تدوین دایره‌المعارف قرآن کریم

۱. برای حفظ اصل بی‌طرفی و علمیت، همه آرا و دیدگاه‌های مهم و مبنایی در هر موضوع و مساله به صورت مستند و بدون افزایش و کاهش آورده می‌شود، سپس نقدهای علمی وارد بر هر دیدگاه ذکر و آرای موافقان و مخالفان بدون تصرف ارزش‌داورانه نقل می‌شود. برای آن‌که عموم مخاطبان دایره‌المعارف بتوانند از بحث بهره بگیرند، حاصل مواجهه‌های علمی مزبور به صورت گزارش و تحلیل بی‌طرفانه درج می‌شود.

بدیهی است که چنانچه مولف مقاله در موضوعی دارای رای خاص باشد، آن رای در ردیف همان آرای پیش گفته و به همان شیوه جلوه خواهد کرد.

۲. شیوه طرح مطالب در هر مقاله به گونه‌ای است که به آرا و عقاید خاص مذاهب و مکاتب اسلامی احترام نهاده شود و هرگونه نقد دیدگاه‌های غیرشیعی یا غیر مشهور با روشی منصفانه و علمی صورت پذیرد تا از هر نوع تشنج یا دامن زدن به اختلاف‌های مذهبی پرهیز شود. همچنین در نقد و تحلیل دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان، کوشیده می‌شود تا صرفاً از جنبه علمی و تحقیقی به آرای آنان نگریسته و از داوری‌های شخصی که خارج از حیطه تخصصی هر مقاله است، پرهیز شود.

۳. مباحث فقهی طرح شده در این دایره‌المعارف، صرفاً با رویکرد علمی و پژوهشی و با عنایت به قلمرو مقالات مربوط تنظیم می‌شود؛ ازاین‌رو، هرگز نباید انتظار داشت که همواره و لزوماً جنبه کاربردی این مباحث حفظ شود و مقلدان را در عمل سودمند افتد؛ پس آرای فقهی مطرح شده، لزوماً جنبه فتوایی ندارند.

۴. منابع مقالات، منحصر به کتاب‌های چاپ شده نیستند و هنگام لزوم، از کتاب‌های خطی، مقالات، رساله‌ها و پایان نامه‌های حوزه‌ای و دانشگاهی نیز بهره گرفته شده است. بنابر آن است که منابع مقالات دایره‌المعارف کاملاً معتبر باشند؛ یعنی از جنبه کتاب‌شناسانه، از متون مرجع و اصیل و دست اول به شمار آیند. فقط در مواردی به متون درجه دوم، از جمله منابع معاصر استناد می‌شود که ضرورتی در میان باشد.

جامعه ایران نیز اشاره و اظهار کرد: در کنار بحث تهاجم فرهنگی مسئله دیگری هم هست و آن فرآیندهای جهانی است. ما هر الگویی را برای اداره کشور از بیرون جامعه خود اقتباس کنیم (چه تهاجم فرهنگی وجود داشته باشد یا نداشته باشد) اگر بومی‌سازی نشود فرهنگ جامعه مبدأ را نیز با خود خواهد آورد.

وی به عنوان مثال گفت: مثلاً وقتی در کشور فرانسه نوعی از معماری و آپارتمان‌سازی بر اساس این نگاه که صبح پدر و مادر سر کار رفته و فرزند به مهدکودک سپرده و عصر بعد از صرف غذا در بیرون منزل خانواده به خانه بازگردند، طراحی می‌شود و همان طرح بدون بومی‌سازی وارد ایران می‌شود، آن شکل خاص از خانه‌سازی بر خانواده‌های ایرانی نیز تأثیر می‌گذارد در حالی که در خانه‌های ایرانی باید فضایی برای مادر جهت تربیت فرزند و حضور طولانی‌تر در خانه بدون ایجاد افسردگی در مادر خانواده وجود داشته باشد.

بنیانیان ادامه داد: اگر معماران و مهندسان اجرایی ما این رابطه را نفهمند علی‌رغم علاقه به کشور و فرهنگ کشور فرهنگی متفاوت و حتی متناقض با فرهنگ ایرانی – اسلامی را وارد کشور می‌کنند که بحثی جدا از تهاجم فرهنگی است اما کمتر مورد توجه قرار گرفته و مقام معظم رهبری از آن تحت عنوان «بومی‌سازی علوم انسانی» نام برده‌اند.

فراخوان دهمین دوره انتخاب کتاب سال تقریب

دهمین دوره انتخاب کتاب سال تقریب از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به انجام خواهد رسید. به گزارش خبرگزاری تقریب (تنا)، در این فراخوان دهمین دوره انتخاب کتاب سال تقریب آمده است: لذا از کلیه نویسندگان، محققان و ناشران گرامی دعوت میشود که آثار خود را متناسب با محورهای زیر به دبیرخانه دهمین دوره کتاب سال تقریب ارسال نمایند.

- ۱- مفهوم تقریب مذاهب اسلامی و اهداف آن.
- ۲- مبانی و ارزشهای تقریب مذاهب اسلامی.
- ۳- تاریخچه و پیشگامان تقریب و وحدت اسلامی.
- ۴- راهکارهای تحقق تقریب و وحدت اسلامی.
- ۵- چشم اندازهای جهان اسلام و ضرورت تقریب مذاهب اسلامی.
- ۶- انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و وحدت اسلامی.
- ۷- بیداری اسلامی، بیم ها و امیدها.

راهنمای ارسال کتاب:

در مراسم انتخاب کتاب سال تقریب، آثار دریافتی در سه بخش «تألیف»، «ترجمه» و «تصحیح» مورد ارزیابی و داوری قرار خواهد گرفت. موضوع اثر باید متناسب با مباحث تقریب و وحدت اسلامی باشد یا در راستای آن قرار گیرد. کتاب به یکی از زبان های فارسی، عربی و انگلیسی باشد.

سال انتشار کتاب در فاصله سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ ه ش برابر با ۱۴۳۱ تا ۱۴۳۵ ه ق و ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ میلادی باشد.

دو نسخه از اثر به ضمیمه گزیده سوابق علمی مؤلف، مترجم یا مصحح و آدرس و شماره تلفن یا آدرس اینترنتی از طریق پست سفارشی به دبیرخانه مراسم ارسال گردد (حتی الامکان از «برگه های معرفی اثر» ویژه دهمین دوره انتخاب کتاب سال تقریب که توسط دبیرخانه چاپ و توزیع گردیده استفاده شود)

مهلت ارسال آثار حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۳/۶/۳۰ برابر با ۸ ذیقعد ۱۴۳۵ (ه ق) و ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۴ می باشد و دبیرخانه درباره آثار رسیده پس از آن مسؤولیتی نخواهد داشت.

بخش ویژه

در بخش ویژه دهمین دوره کتاب سال تقریب دو برنامه برگزار خواهد شد:

الف- تجلیل از پیشگامان تقریب:

در این برنامه یکی از شخصیت‌های بزرگ اسلامی به تشخیص هیئت داوران به عنوان «پیشگام تقریب» به امت اسلامی معرفی و با اهدای لوح تقدیر و هدایایی از ایشان تجلیل خواهد شد.

ب- معرفی رسانه های تقریبی پیشرو:

در این برنامه رسانه های پیشرو در امر تقریب که با انتشار مقالات مفید و اخبار و برنامه‌های متناسب با فرهنگ همبستگی و تقریب جهان اسلام، در این مسیر گام برداشته‌اند معرفی و با اهدای جوایز و لوح سپاس تقدیر خواهد شد. لازم به ذکر است که در این بخش رسانه‌ها در هر سه بخش نوشتاری و دیداری و شنیداری مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

لذا از تمامی رسانه ها دعوت می شود تا آثار خود را برای دبیر خانه ارسال نمایند.

آدرس دبیرخانه: تهران - خ آیت الله طالقانی - نرسیده به چهار راه مفتح - شماره ۲۴۸ - مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - معاونت فرهنگی و پژوهشی - دبیرخانه دهمین دوره کتاب سال تقریب

تلفن: ۸۸۳۲۵۳۲ و ۸۸۳۲۱۴۱۱-۱۳
نمابر: ۸۸۳۲۱۶۱۶ و ۸۸۳۲۱۴۱۴
آدرس پایگاه اطلاعاتی: www.taqrrib.info
پست الکترونیکی: farhangi@taqrrib.info
Farhangi.magma@gmail.com

آیت الله اراکی در دیدار با وزیر اوقاف اردن:

کشور عمان در وحدت امت اسلامی نقش مهمی ایفا می کند

وی با بیان این که مجمع تقریب آمادگی دارد در این راستا با کشور عمان همکاری کامل داشته باشد، تصریح کرد: علما و رهبران اسلامی می توانند بحرانهای ناشی از تعصبات مذهبی را کاهش دهند و ما امیدواریم که علمای امت اسلامی و برادران ما در سلطنت عمان حضوری فعال در حل بحرانهای داشته باشند؛ ما از نظر شرعی مکلف به اصلاح بین فرزندان امت هستیم.

دبیرکل مجمع تقریب با اشاره به اقدامات این مجمع در راستای تقریب از جمله تشکیل «کمیته صلح اسلامی»، گفت: این کمیته گلچینی از علما و نخبگان مسلمان از کشورهای مختلف اسلامی را در خود جای داده است و هدف آن ارائه راهکار برای حل چالشهای فراروی منطقه از جمله افرافلی گری، فتواهای فتنه انگیز و همچنین اختلافات مذهبی بین پیروان مذاهب اسلامی است.

وی افزود: تاسیس مرکز گفتگوی اسلامی از دیگر اقدامات اخیر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بوده است که در این مرکز علمای شیعه و سنی گرد هم می آیند و پیرامون حل بحرانهای و مسائل مختلف جهان اسلام به ارائه راه حل می پردازند.

شیخ عبدالله بن محمد السالمی نیز در این دیدار با تأیید و تقدیر از طرح ها و اقدامات دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، بر اجرای این طرح ها توسط علمای امت به دور از چارچوبهای سیاسی تأکید کرد و گفت: سیاستمداران در هر کشوری تنها به منافع ملی خود توجه دارند اما علمای مذاهب اسلامی بر تحقق

آیت الله محسن اراکی در حاشیه برگزاری کنفرانس «تحول در علوم فقهی» در عمان با شیخ «عبدالله بن محمد السالمی» وزیر اوقاف و امور دینی این کشور دیدار و پیرامون مهمترین مسائل جهان اسلام و تحولات در کشورهای مختلف اسلامی از جمله سوریه، عراق، مصر و... بحث و تبادل نظر کرد.

وی با تأکید بر لزوم گشودن درهای همکاری بین مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و وزارت اوقاف عمان، گسترش این همکاری را در تحقق اهداف تقریب گرا در جوامع اسلامی مهم برشمرد.

دبیرکل مجمع تقریب با تقدیر از فعالیتهای وحدت گرای شیخ أحمد بن حمد بن سلیمان الخلیلی مفتی عمان، تأکید کرد: علامه خلیلی از رهبران و منادیان تقریب بین مذاهب اسلامی است و نقش موثری در فعالیتهای تقریبی از ابتدای تاسیس مجمع تقریب در ایران داشته است.

وی افزود: سلطنت عمان نقش و تاثیر بسزایی در وحدت امت اسلامی و انسجام آن ایفا کرده و از کشورهایی محسوب می شود که همیشه از صلح و برادری میان مسلمانان دفاع کرده است؛ این کشور همیشه در حل بحرانهای منطقه ای ناشی از اختلاف انگیزی مذهبی دشمنان اسلام، پیشقدم بوده است.

آیت الله اراکی با تأکید بر ضرورت ادامه این روند، اظهار داشت: جهان اسلام به تقریب و همگرایی مسلمانان احتیاج مبرمی دارد چون مسلمانان در بیشتر کشورهای اسلامی با چالشهای مذهبی و طایفه ای دست به گریبان هستند.

دبیر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تأکید کرد:

نقش مؤثر علمای شیعه و سنی در ایجاد وحدت و انسجام در عراق

است که در عراق آرامش ایجاد نشود تا بتوانند حضور خودشان را در عراق فعال کنند و منابع ارزشمندی که در این کشور وجود دارد را به غارت ببرند.

دبیر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در ادامه با اشاره به نزدیکی انتخابات عراق و احتمال دخالت تکفیری ها در این انتخابات گفت: مطمئناً تکفیری ها آن توانایی را نخواهند داشت که انتخابات عراق را بر هم بزنند اکنون دولت عراق بویژه «نوری مالکی» مقتدرانه جلوی تکفیری ها ایستاده است. وی افزود: اقدام خوبی که نوری مالکی در فلوله انجام داد موجب شد که جلوی نفوذ تکفیری ها گرفته شود ما امیدوار هستیم با کمک احزاب و مسئولین عراق بویژه پارلمان این کشور جلوی ناامنی در منطقه بیشتر گرفته شود.

دبیر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس

دبیر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به اینکه مهمترین راه برای ایجاد آرامش در عراق وحدت و انسجام بین گروهها و قبائل مختلف این کشور است، اظهار داشت: علمای دینی می توانند نقش مؤثری در این زمینه داشته باشند.

«محمد حسن آصفری» دبیر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با خبرنگار تقریب پیرامون اتفاقات و برخی ناآرامی ها در عراق گفت: من معتقدم مهمترین راه برای ایجاد آرامش در عراق وحدت و انسجام بین گروهها، احزاب، قومیت ها و قبائل مختلف این کشور است.

وی افزود: قطعاً از ناآرامی های موجود در عراق، دشمنان این کشور بویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی بیشترین بهره را خواهند برد زیرا همه تلاش آنها این

باید به پژوهشهای مرتبط با وحدت بین مسلمین بیشتر پرداخته شود

را توسعه فقه اشتراکی بین مسلمانان و حمایت از کثرت گرایی مذهبی در کشورهای اسلامی برشمرد و گفت: هیچ نظامی سیاسی نمی تواند واقعیت های مذهبی در کشورهای اسلامی را نادیده بگیرد، زیرا نتیجه طبیعی نادیده گرفتن واقعیت های مذهبی در جهان اسلام، تفرقه و اختلاف بیشتر بین مسلمانان است.

محفوظ تأکید کرد: پیروان شیعه و سنی باید حامی کثرت گرایی مذهبی باشند، به این معنی که هرگاه در کشوری اکثر مردم سنی مذهب هستند و شیعه در اقلیت است، بر اکثریت سنی واجب است که از اقلیت شیعه حمایت کنند و مؤسسات قانونی مخصوص مجازات بی حرمتیهای مذهبی تأسیس شوند، و کسانی که در یک کشور با عنوانهای مذهبی، قومی و نژادی مختلف نسبت به دیگران بی حرمتی می کنند را مورد بازخواست قرار دهند.

وی از دیگر راه حلهای مبارزه با بحرانهای جهان اسلام را ضرورت هماهنگی و همکاری سیاسی بین کشورهای مختلف اسلامی قلمداد کرد و خاطرنشان ساخت: مسلمانان در جهان پراکنده و از هم جدا هستند که باید با همکاری و تعامل بیشتر بین آنها و از طریق

به گزارش خبرگزاری تقریب(تنا)، «شیخ محمد محفوظ» محقق و متفکر عربستان سعودی در گفتگو با خبرنگار تقریب، پیرامون بحرانهای کنونی جهان اسلام تأکید کرد: فتنه های مذهبی و قبیله ای در جهان اسلام بدون شک در پی ایجاد تفرقه بین امت اسلامی و اختلافات افکنی بین آنان است .

محفوظ تصریح کرد: فتنه های موجود در جهان اسلام، طرحها و نقشه های استعماری بین المللی است که میخواهند امت اسلامی، متفرق و جدا از هم و ضعیف باقی بماند، بنابراین همه مسلمانان با مکاتب فقهی و مذهبی مختلف به جای اختلافات باید به سوی اشتراکات بروند.

این متفکر شیعی با انتقاد از اینکه کتابخانه های اسلامی مملو از کتابها و تحقیقات و پژوهشهایی در مورد اختلافات و تفاوتهای بین مسلمانان است، اما پژوهشهای انجام شده در مورد چگونگی اتحاد بین مسلمانان و جنبه های مشترک بین آنها کم و اندک است، تأکید کرد: انجام پژوهش و تحقیق بیشتر در این خصوص از ضروریات است.

وی مهمترین راه حلهای مقابله با فتنه های موجود

مشترکات مبتنی بر شریعت اسلامی اتفاق نظر دارند. وی با تقدیر از مواضع دولت و ملت ایران برای حل مسائل مختلف جهان اسلام، گفت: برای این کشور همین مایه افتخار است که به صورت علنی بر حکومت اسلامی خود تأکید دارد.

وزیر اوقاف عمان در ادامه با اشاره به کنفرانس تحول در علوم فقهی که در حال حاضر در این کشور در حال برگزاری است، خاطرنشان کرد: در این کنفرانس به موضوعات مشترک انسانی پرداخته می شود؛ انتشار نمادهای فساد از جمله ازدواج همجنسگرایان حتی در جهان اسلام و سایر الگوهای الحادی وارداتی از فرهنگ غرب در حال درنوردیدن کشورهای اسلامی است؛ این نمادها نه تنها از سوی مسلمانان بلکه از سوی بشریت باید مورد هجمه و مقابله قرار گیرد چون اصول مشترک انسانی از جمله اخلاق، عدل، کرامت و... که مورد اتفاق همه انسانهاست را تهدید می کند.

وی در ادامه با اشاره به گفتگوها و نشستهای مشترک وزارت اوقاف عمان با علمای بزرگ یهودی و مسیحی در این راستا، از آیت الله اراکی خواست در آن شرکت کرده تا در تحقق اهداف مورد نظر آن سهیم باشد.

شایان ذکر است در این دیدار علی اکبر سیبویه سفیر ایران در عمان، حجت الاسلام مختاری مدیر مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و تعدادی از علمای حوزه علمیه و همچنین اعضای هیئت اعزامی مجمع تقریب به کشور عمان به همراه شیخ کهلان بن نبهان الخروصی معاون مفتی اعظم عمان حضور داشتند.

پیرامون تلاش ها برای تبدیل کردن عراق به سوریه ای دیگر گفت: البته هدف غرب و تکفیری ها این است که عراق را تبدیل به سوریه ای دیگر کنند اما من بعید می دانم که اینگونه شود زیرا عراق یک تجربه خوبی در گذشته کسب کرده است و مطمئناً وحدت و انسجام بین مسئولین عراق بویژه دولت و پارلمان بیشتر می تواند به ایجاد آرامش در این کشور کمک کند.

نماینده مردم اراک در مجلس شورای اسلامی پیرامون نقش علمای عراق در ایجاد وحدت و آرامش در عراق گفت: علمای شیعه و سنی عراق نقش بسزایی در ایجاد آرامش در این کشور ایفا می کنند با توجه به اینکه مردم عراق ملتی مسلمان هستند و به علما و بزرگان دینی اعتقاد دارند بنابراین علمای دینی می توانند نقش خوبی در ایجاد وحدت و انسجام در عراق داشته باشند.

سازمانهای منطقه ای همانند سازمان همکاری اسلامی و یا سازمانهای جامعه مدنی در کشورهای اسلامی این فاصله ها برداشته شود و در سطح سیاسی و تجاری و اقتصادی بین کشورهای اسلامی مختلف همکاری مشترک ایجاد شود.

محمد محفوظ در ادامه و در مورد نقش مؤسسات و علما در رویارویی با بحران های موجود در جهان اسلام گفت: از مشکلات کنونی جهان اسلام که همه مسلمانان از آن رنج می برند، شکل گرفتن گروهکهای تندرو تکفیری است و تمام حوزه های علمیه و مؤسسات قانونی، نهادهای دینی، مراجع و علما، جنبشهای اسلامی، احزاب اسلامی در رویارویی با خطر افراط گرایی و تکفیری در دنیای اسلام مسئول هستند و باید برای محو پوشش دینی از فعالیتهای گروهکهای تروریستی گام بردارند.

این متفکر شیعی در پایان و با اشاره به اینکه ادامه فعالیتهای تکفیری رشته و زنجیر اسلام در کل جهان را تهدید می کند گفت: مؤسسات مختلف اسلامی باید با تعامل و همکاری با یکدیگر در جهت ایجاد تفاهم و وحدت بیشتر بین مسلمانان گام بردارند.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سرمدبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس: ۱۴۲۳ ۳۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

مجموعه سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های اساسی در جوامع فقرزدایی است و دولت‌ها با کوشش‌های فراوان به دنبال آن هستند تا با برنامه‌های مدون، زمینه را برای کاهش فقر ایجاد کنند. دین مبین اسلام نیز پرچمدار مبارزه برای توحید و عدالت است. در آیات و روایات سخنان ارزشمندی در مورد مبارزه با فقر و ثروت اندوزی بیان شده است. کتاب منهای فقر، جدیدترین اثر استاد محمدرضا حکیمی است که توسط انتشارات الحیات چاپ شده است. این کتاب که از آن با عنوان انقلابی‌ترین کتاب محمدرضا حکیمی نام برده شده بر مدعای هدف قیام انبیا که ایجاد و اقامه قسط است تأکید کرده و بر عینیت عدالت در جامعه دینی به عنوان اساسی‌ترین اصل اجتماعی اسلام متمرکز شده است.

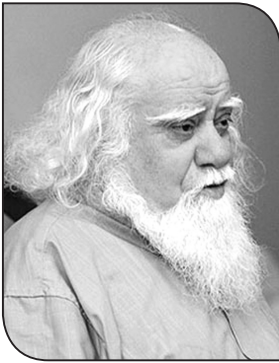
علامه محمدرضا حکیمی که قبل از شروع نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۲، با تشکیل جلساتی هفتگی در مشهد با عنوان «الغدیر» به تبیین ویژگی‌های «حکومت عادل» می‌پرداخت؛ بعد از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به

رهبری امام خمینی نیز، از معرفی و تبلیغ ایشان از جمله در بین نخبگان حوزوی مشهد دریغ نوزید؛ تا جایی که حکیمی اولین فردی بود که در کتابش به نام «سرود جهش‌ها» (۱۳۴۳ ش) تعبیر «امام» را برای تثبیت جایگاه بی‌نظیر امام خمینی(ره) در رهبری نهضت به کار برد. اکنون و در سن ۷۶ سالگی نیز این پیرمرد انقلابی دوباره از انقلاب و مبارزه و قیام دم زده است، انقلاب علیه فقر: «انقلابی‌ترین فریادگران تاریخ انسان و قاطع‌ترین مدافعان حقوق خلق‌های محروم و مظلوم، پیامبران بوده‌اند... قرآن کریم می‌فرماید ما پیامبران را فرستادیم، به همراه شواهدی روشن و با کتاب و معیار، تا مردم همه در «منهای فقر» زندگی کنند: «لیقوم الناس بالقسط»؛ یعنی: زندگی کردن مردم - همه مردم - به شکلی عادلانه باشد و محروم نیازمندی باقی نماند... اگر چنین نشود، یعنی هدف قرآن کریم تحقق نیابد، از حقوق خلق دفاع نشده است و انقلابی دینی و قرآنی و اسلامی اتفاق نیفتاده است. هیچ کس و هیچ مقامی نمی‌تواند با گفتن جملاتی انشایی ایجاد واقعیت کند...» وی در تعریف عدالت به طور قاطع می‌گوید: «عدالت - در تعریف ائمه طاهرین(ع) - یعنی رفع فقر و هرگونه نیاز، از همه جامعه... جز این هرچه باشد عدالت نیست.» پشت جلد «منهای فقر» چنین آمده است: «گر انقلاب‌ها برای برانداختن ریشه ظلم است، باید گام نخستین و نخستین گام، در جهت برطرف کردن ظلم، از مظلوم‌ترین‌ها باشد، یعنی: محرومان... و گر نه قیام‌هایی خواهد بود در جهت جابجایی قدرت و ثروت، نه بیشتر...»

استاد حکیمی در این کتاب بیشتر از همه از آرمان

مروری بر کتاب «منهای فقر» اثری از استاد محمدرضا حکیمی

عدالت اجتماعی دغدغه و حقیقت



جامعه منهای فقر نوشته و به احادیث معتبر در این زمینه رجوع کرده است و سپس از کلام بزرگان تشیع نیز درباره مبارزه با فقر و تکاثر سخنانی آورده است.

فقر و تکاثر

در بخش‌هایی از این کتاب درباره مسأله فقر و تکاثر آمده است: اینکه اسلام، با این شدت، با تکاثر مبارزه کرده است - از جمله - برای این است که تکاثر (یعنی خواستن و داشتن و جمع کردن مال بسیار)، یک گناه مرکب و یک جنایت مضاعف است، زیرا که فقر فقیران و کمبودداری و نیازمندی نیازمندان، نتیجهٔ زیادداری و زیاده خواهی سرمایه‌داران است، که در احادیث به آن تصریح شده است و تجربه نیز مؤید آن است.

حضرت علی(ع) می‌فرماید: خداوند سبحان، روزی فقیران را در اموال توانگران و سرمایه‌داران قرار داده است، پس هیچ فقیری و نیازمندی گرسنه (و فاقد امکانات زندگی) نمی‌ماند، مگر به این جهت که توانگری حق او را نداده (و خورده) است. و خداوند بزرگ در روز قیامت، از توانگران بازخواست خواهد کرد! آقای محمدرضا حکیمی در این کتاب نیز با اشاره به مکتب اقتصادی موردنظر اسلام به بحث از مالکیت و حدود ثروت اشاره کرده است و در این باره می‌نویسد: این موضوع روشن است که اگر ثروت بخواهد مشروع باشد، باید محدود باشد و از طرق مشروع به دست آمده باشد. همیشه مشروع، محدود است و ابواب مهم

«مکاسب محرّمه» (کسب‌های حرام و ناجایز)، در فقه اسلام، برای بیان همین موضوع مهم است که به دست آوردن مال، از هر طریقی و با هر کسی، صحیح و مشروع نیست. و از اینجاست که ائمه طاهرین که وظیفهٔ ایشان بیان دین خدا بوده است، حدودی برای مال حلال و ثروت مشروع ذکر کرده‌اند.

در این رسالهٔ کوتاه، به ذکر دو حدیث اکتفا می‌کنیم: امام محمد باقر(ع): هیچ کس نمی‌تواند، از راه حلال، حتی ۱۰۰۰۰ درهم جمع کند. (بحار ۶۶/۷۲)

امام جعفر صادق(ع): ... از راه حلال و مشروع، ۲۰۰۰۰ درهم جمع نمی‌شود (تَحْفُ الْعُقُول / ۳۷۷) البته، این مبلغ‌ها که در احادیث آمده است تقریبی است و باید با اقتصاد زمان و شرایط مکان سنجیده شود، ولی در هر حال و با هر برداشت، ثروت زیاد و مال تکاثری را قطعا و قطعا نامشروع و غیر حلال معرفی می‌کند!

اکنون ... می‌نگرید که تعالیم اسلام چقدر مهجور و مظلوم است! حتی در این روزگار!...

از نکات قابل توجه در این کتاب بحث از مسأله زکات باطنی در اسلام است که فقهای سلف به آن فتوای وجوب داده‌اند و حد آن وجود فقیر در جامعه دینی است.

کتاب «منهای فقر» اخیراً در ۸۸۴ صفحه توسط انتشارات علمی فرهنگی الحیات به چاپ رسیده است.

گزارشی از ششمین نمایشگاه کتاب نجف اشرف

کتاب‌های علمی، مانند فقهی، حدیثی و اصولی بود. نه کتاب‌های منبری و این دو نکته برای بنده جالب بود. در بین آنها پدیده عجیبی وجود دارد به نام شیخ مهدی عبدالرسول.

شیخ مهدی عبدالرسول

در سوق الحویش طلبه عجیبی دائم در حال خرید کتاب است به نام شیخ مهدی عبدالرسول. طبق آنچه برای بنده گفت، جد وی در زمانی که شیخ مهدی کودک بوده با فرزندان و نواده خود به نجف مهاجرت می‌کند. می‌گفت اصل ما از بروجرد است و در زمان صدام، مادرم به علت ترس، ما را از فارسی صحبت کردن منع می‌کرد و اکنون وی به سختی فارسی را صحبت می‌کرد. اکثر ایرانیانی که در سوق الحویش به دنبال خرید کتاب رفته‌اند، شیخ مهدی را می‌شناسند، اعجوبه‌ای است در خرید کتاب. در سوق الحویش یا ایام نمایشگاه، حضور مستمر دارد. بیشتر هم کتاب‌های سیاسی مربوط به دوران معاصر عراق را می‌خرد. منزلی گویا در حی الغدیر نجف اشرف دارد. محله‌ای خارج از شهر. بنده دفعه قبل از او خرید مفصلی کردم، ولی این دفعه با این که دعوت به منزلش کرد، نتوانستم چیزی بخرم. کتاب‌های بسیار مهمی دارد. کاش چند هزار دلاری فراهم می‌شد و کل کتابخانه شخصی وی خریداری و به داخل ایران منتقل می‌شد. کتاب را مثل آهنربا از داخل قفسه می‌ریاید. به شکل عجیبی کتاب را دیده و می‌خرد. نمی‌دانم به خاطر خرید مستمر کتاب یا وضعیت سخت طلبگی آنجا بود که وضعیت زندگی سختی به همراه چند بچه داشت. دفعه قبل که به همراه دوستان کتابخانه مجلس از او خرید کردیم، بسیار خوشحال شد، اشک در چشمانش حلقه زده بود و بسیار دعا کرد. سه سال پیش از شهریه کم طلاب در نجف گالیه می‌کرد، اکنون را خبر ندارم.

افزون بر شیخ مهدی، کتابخانه‌های شخصی زیادی در سوق الحویش برای فروش عرضه می‌شود و کتابفروش‌ها سراغ دارند که بودجه و پیگیری می‌خواهد. برخی از این کتابخانه‌ها از فرهیختگان و علمای نجف اشرف است که غنی و پربار است و خرید آنها غنیمت. به راحتی نیز می‌توان آنها را خرید، ولی دست ما کوتاه و خرما بر نخیل.



کوچه‌های محله الحویش که به این بازار منتهی می‌شود منزل بسیاری از طلاب و بیوت علما و فضایی نجف اشرف است. جامع شیخ انصاری اکنون در وسط سوق الحویش قرار گرفته که آیت الله خراسان در آن نماز می‌خواند و بیت ایشان نیز در کوچه روبروی آن قرار دارد.

کتابخانه و مرقد آیت الله سید محسن حکیم در ابتدای آن و کتابخانه و مرقد علامه امینی نرسیده به جامع شیخ انصاری در یک کوچه سمت چپ قرار دارد. در سوق الحویش کتابفروشی‌های زیادی هست و به طور مرتب عربان‌های چوبی کارتن‌های کتاب را به این کتابفروشی‌ها می‌رسانند. این کتاب‌ها از ناشران مختلف کشورهای عربی پی در پی این کتابفروشی‌ها را تقدیه می‌کند. از ناشران روشنفکر بیروتی تا ناشران سلفی و ... کتاب‌هایشان در سوق الحویش یافت می‌شود. همه نوع کتابی از کتاب‌های روشنفکران ایرانی که به عربی ترجمه شده تا آثار روشنفکران عرب، آثار ابن تیمیه و ... در سوق الحویش می‌توان خرید. نسخ خطی نیز یافت می‌شود. حتی آثار مدعیانی مانند احمد الصرخی در سوق الحویش وجود دارد. کتاب‌های فقهی، اصولی، آثاری که از قم می‌رود و ... همه در سوق الحویش عرضه می‌شود. چینش کتاب‌ها هم دقیقاً مثل کتابفروشی‌های گذر خان یا طبقه زیرین پاساژ قدس است. در سوق الحویش چند کتابفروش هستند که کتاب‌های خود را مثل بساطی‌ها در کنار راه می‌فروشند. یکی دو نفر آنها شاید حدود سه چهار هزار جلد کتاب را هم‌بیتور روی هم چیده و رها کرده بودند. کتاب‌های زیرین به علت بارندگی یا آب‌پاشی روزانه همه خیس شده و از بین رفته بود.

طلاب نجف در سوق الحویش

رونق کتابفروشی‌های سوق الحویش به طلاب حوزه نجف می‌باشد. به طور مستمر طلاب در سوق الحویش مشغول دیدن کتاب و یا خرید آن هستند. در نمایشگاه هم طلاب و فضایی حوزه نجف حضور گرمی داشتند. ولع آنها برای خرید و حتی نوع دیدن و خواندن کتاب جالب بود. جنس کتاب‌هایی هم که می‌خریدند،

و هنوز هست! از صحت و سقم آن خبر خاصی ندارم، ولی در کشور خودمان نیز قانونی هست که خروج کتاب‌های عتیقه و نسخ خطی مهم ممنوع است، ولی قانون کشور عراق برای عدم امکان خروج کتاب، آه از نهاد تمام ناشران و کتابفروشان ایرانی برآورده است. کتاب‌های تازه منتشره وجهی برای عدم خروج ندارد. به آنهایی که از ایران

می‌خواهند در این نمایشگاه شرکت کنند، اعلام می‌کنند که از برگرداندن کتاب‌های خود قطع امید کنند. آنچه آنجا فروش می‌کند به نفعشان است، بقیه را یا باید در انبار بگذارند یا در روزهای آخر به حراج بگذارند چون برگرداندن آن امکان پذیر نیست! حتی رساندن آن به مرز ایران، با نامه و ... باز مشکل است. باربری‌هایی عراقی - ایرانی که در قم همه جور جنسی به شهرهای عراق می‌برند، هنگامی که نام کتاب به میان می‌آید که به ایران برگردانند، اصلاً قبول نمی‌کنند. هم در عراق مشکل می‌دانند و هم برای ورود به ایران که آن را ممنوع می‌دانند.

بنده با چند نفر از ناشران ایرانی صحبت کردم، همه نالان بودند که کتاب‌هایشان را نمی‌توانند برگردانند. هیچ چاره‌ای هم نداشتند. به نظر می‌رسد حضور کم رنگ ناشران ایرانی در چنین نمایشگاهی به علت همین مشکل باشد و مسؤولان امر باید برای برطرف کردن آن با طرف عراقی صحبت کنند. هنگام ورود کتاب به کشور، در مرزهای مهران و ... نماینده ارشاد حضور داشته باشد و کسانی که از کتابخانه‌های مهم نامه دارند و خرید خاصی داشته‌اند، به راحتی مشکشان حل شود، نه این که دو هفته جهت ترخیص کتاب دوندگی داشته باشیم.

سوق الحویش

سوق الحویش در محله الحویش نجف اشرف، جای عجیبی است. برای تصور آن، گذر خان در قم بهترین مثال است. گذر خان، کپی کوچکی از سوق الحویش است. در این بازار از کبابی، میوه فروشی، نانواپی، سوپری و کتابفروشی فراوان پیدا می‌شود. نظافت آن نیز شبیه گذر خان است. با این که نسبت به قبل سامان بهتری یافته است، باز وضعیت بهداشتی آن ناهنجار است. در

ادامه از صفحه اول

کتابخانه بزرگ داخل کشور به دلایل مختلفی از حضور در چنین نمایشگاهی دوری می‌کنند. یکی دو کتابخانه را که بنده ارتباط دارم، دلایل این چنینی داشتند. یکی از کتابخانه‌ها که قبلاً در این زمینه موفق بود، گفتند بودجه برای خریدهای این چنینی ندارند و اصلاً در پی خرید کتب عربی نیستند و مسؤولان آن در این فضاها نیستند.

کتابخانه دیگری هم در پی آن است که یکی از دلایل کتب عربی، آنها را بدون دردسر به دستشان برساند. در حالی که طبق برآورد تخمینی بنده، قیمت‌های آن بنده خدا نسبت به داخل نمایشگاه، حداقل سه برابر است و حتی تا پنج برابر می‌رسد.

پویایی نشر در عتبات و مشاهد مشرفه

یک نکته چشمگیر در نمایشگاه و خارج از آن، پویایی نشر در عتبات و مشاهد مشرفه بود. سالی که نجف اشرف پایتخت فرهنگی جهان اسلام شد، عتبه علویه فعالیت بسیار زیادی انجام داد، پایان‌نامه‌های دانشجویی مربوط به امام علی (ع) را به طور وسیع چاپ کردند و کتاب‌های دیگری در کنار آن منتشر شد. امسال نیز چند عنوان اثر دیگر چاپ کرده بودند. عتبه مقدسه حسینییه و به خصوص عتبه عباسیه آثار زیادی داشتند. از همه مهم‌تر بخش نشر مسجد کوفه بسیار فعال بود. بیش از ۲۰ عنوان کتاب برای نمایشگاه عرضه کرده بود. نکته مهم آن است که همه کتاب‌ها از سطح قابل قبولی برخوردار بود. مسجد کوفه یک مسابقه علمی برگزار کرده و آثار برگزیده را منتشر می‌کند که سال قبل یک کتاب درباره هانی بن عروه از دکتر عمار عبودی نصار برنده شده بود و چاپ کرده بودند. نمایشگاه‌های کتاب در جوار حرم ائمه علیهم السلام آثار زیادی برای فروش داشتند. در کاظمین تاریخ الکاظمیه و چند عنوان کتاب دیگر را خریدم. در کربلا مکتبه ابن فهد حلی فعال بود.

بزرگترین مشکل کتاب در عراق

بزرگترین مشکل ناشران و شرکت‌کنندگان ایرانی، عدم امکان ارجاع کتاب بود. طبق آنچه یک ناشر به بنده گفت، در عراق، خروج کتاب از کشور ممنوع است! این ناشر می‌گفت: این قانون از زمان صدام وجود داشته